



ویژه امام زمان عجل الله فرجه

هشتاد و چهارمین شماره نشریه امان
دوماهنامه - ویژه اردیبهشت و خرداد ماه ۱۴۰۳



الف



۲۵

سی

۳۲

۳۱

با جمعه تولید
با مشارکت مردم
سال ۱۴۰۳

انتظار واقعی، با اطمینان و اعتماد ملازم است.

کسی که شما می دانید خواهد آمد، انتظارش

را می کشید و انتظار کسی که به آمدنش اعتماد

و اطمینان ندارید، انتظاری حقیقی نیست.

اعتماد، لازمه ی انتظار است و این هر دو،

ملازم با امید است و امروز این امید،

امری لازم برای همه ی ملت ها و مردم دنیا است.



دوماهنامه امان - شماره ۸۴

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

سر دبیر: حجت الاسلام محمدرضا نصوری

دبیر علمی: حجت الاسلام تقی حاتمی

گرافیک و صفحه آرایی: زهره رجبی شبیری



دوماهنامه - ویژه اردیبهشت و خرداد ماه ۱۴۰۳

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان نهادی فرهنگی، غیرانتفاعی و غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل که دارای تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران می باشد؛ به منظور ترویج و توسعه فرهنگ مهدویت و آشناسازی افشار جامعه. به ویژه نسل جوان - با شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحکیم پایه های امامت و ولایت، پس از کسب موافقت مقام معظم رهبری از سوی حضرت حجت الاسلام والمسلمین قرآنی در تاریخ ۱۳۷۹/۰۹/۰۳ تأسیس گردید.



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

رُوزِی جَهَّان پُرمی شُود از بُوئی عَطَرَت

از حضرت بخواهید، درخواست توجّه
بکنید، درخواست دعا بکنید از آن بزرگوار،
و بدانید که آن بزرگوار به این درخواست
ها توجّه خواهد کرد.

اینگونه دعای فرج بخوانید



برای مشاهده نماهنگ این محتوا
کدبالا را اسکن و یا روی آن کلیک
کنید

وقتی «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ» را میخوانید، در واقع دارید ارتباط میگیرید با امام
زمانتان، که فرموده‌اند: ما را دعا کنید، ما هم شما را دعا میکنیم؛ وقتی دعا برای
فرج آن بزرگوار میکنید، در واقع دارید زمینه را برای دعای آن بزرگوار به خودتان و
برای خودتان فراهم میکنید؛ این جوری است - این مجموعه‌ی عظیم
مؤمنین و مخلصین و دل‌های نورانی، باید سعی کنند رابطه‌ی خودشان را با
حضرت مستحکم‌تر کنند. لازمه‌ی استحکام رابطه، این نیست که کسی
خدمت حضرت برسد؛ نه، لزومی ندارد؛ با حضرت حرف بزنید، سلام کنید،
زیارت کنید، با همین زیارات ماثوری که هست یا حتی با همین زبان معمولی
خودتان با حضرت حرف بزنید. خدای متعال پیام شما را، و سخن دل و زبان
شما را به آن بزرگوار میرساند، و آن بزرگوار مطلع می‌شود... تشکیل نظام جمهوری
اسلامی یک مقدمه و تحقق یک وعده‌ی کوچک و نزدیک است برای اطمینان
به تحقق آن وعده‌ی بزرگ، که از دسترس ما دور است و نمیدانیم زمانش کی
است. از خدای متعال بخواهید آن وعده را محقق کند؛ ارتباط قلبی را هرچه
بیشتر کنید، از حضرت بخواهید، درخواست توجّه بکنید، درخواست دعا بکنید از
آن بزرگوار، و بدانید که آن بزرگوار به این درخواست‌ها توجّه خواهد کرد.

۱۳۹۳/۰۳/۲۲



حجت الاسلام جواد محدثی

سلوک مهدوی

(قسمت سوم)

..... انس با مسجد

مساجد، کانون‌های مقدسی‌اند که به انسان آرامش روانی می‌دهند، خدا را به یاد می‌آورند، محلّ عبادت و نمازند و در روایات، از مسجد به عنوان «خانه خدا در زمین»، «محبوب‌ترین قسمت شهرها» و... یاد شده. رفت‌وآمد به مسجد، مایه خیر و برکت در زندگی است. ورود به مسجد و حضور در مساجد، آداب و احکام خاصی دارد که در کتاب‌های فقهی آمده و نشان‌دهنده جایگاه والای معنوی آن و نقش تربیتی این عبادتگاه است.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

هرکس که به مساجد رفت‌وآمد داشته باشد، به یکی از این امور هشت‌گانه دست می‌یابد: یک، یافتن برادر ایمانی که در مسیر خدا از او بهره می‌گیرد؛ دو، دانشی تازه؛ سه، فهم و درک آیه‌ای از آیات قرآن؛ چهار، شنیدن سخنی هدایتگر و راهنما؛ پنج، رحمتی از پروردگار که مورد انتظار است؛ شش، شنیدن سخنی که او را از گمراهی و هلاکت باز می‌دارد؛ هفت، ترک گناه به سبب خدا ترسی؛ هشت، ترک گناه به سبب حیا از برادران دینی.

من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۷

رفتن به مسجد، علاوه بر انجام عبادت، هم شرکت در نماز جماعت است، هم حضور در مجالس دینی و شنیدن موعظه، هم باخبر شدن از وضع و حال برادران مسلمان، هم تعاون و همبستگی، و هم تعظیم شعایر دینی است و برکات اجتماعی و فواید سیاسی و اجتماعی دیگری هم دارد.

قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از مسجد الحرام و از کنار کعبه مقدّس خواهد بود و ندای «یا اهل العالم» آن حضرت از کنار خانه خدا به گوش جهانیان خواهد رسید. مساجد باید آباد باشند. آبادی مسجد هم تنها به ساختمان باشکوه و فرش‌های زیبا و گنبد و گلدسته و تجهیزات آن نیست، بلکه به حضور پرشور مردم و اجتماعات اثرگذار و نقش‌آفرینی در جهت‌دهی دینی و اخلاقی مردم است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مساجد، بازاری از بازارهای آخرت است، پذیرایی آن امرزش و هدیه آن بهشت است.

امالی، شیخ طوسی، ص ۱۴۵

مسجدی بودن، مایه افتخار و شرافت يك مسلمان است. چه محرومند آنان که از مسجد بیگانه‌اند و فرصت حضور در این مکان مقدس را نمی‌یابند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هرگاه کسی را دیدید که اهل مسجد است، به ایمان او گواهی دهید، زیرا خداوند می‌فرماید: تنها آنان که به خداوند ایمان دارند، مساجد را آباد می‌کنند.

مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۶۲

..... تعهّد به آداب و سنن دینی

آنکه مسلمان است، یعنی در «چگونه زیستن» تابع آداب و مقررات دین خداست و قانون الهی را محور عمل خویش قرار می‌دهد.

خداوند از انسان «متعبد» خوشش می‌آید. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان نیز چنین‌اند.

مقصود از «تعبد» این است که وقتی انسان دانست که این حکم و دستور و قانون از سوی خداوند است، چون به علم و حکمت خدا ایمان دارد، فرمان را اطاعت کند. مثل کسی که به يك پزشك متخصص مراجعه می‌کند و به نسخه او عمل می‌کند و با پزشك، چون و چرانی نمی‌کند.

خوشبختانه دستورهای دینی همه ابعاد زندگی ما را از گهواره تا گور در برمی‌گیرد.

هیچ موردی نیست که خدا و دین در آن جا حکمی نداشته باشد، چه واجب و مستحب، چه حرام و مکروه.

«سبک زندگی اسلامی» آن است که رهنمودهای اسلام و آداب و سنت‌هایی را که دین ما بیان کرده، مورد اجرا قرار دهیم. خوردن و آشامیدن و خوابیدن و برخاستن، راه رفتن و نشستن، مسافرت و عیادت بیمار و سفره غذا و برخورد با والدین و معاشرت با مردم، در دین ما احکام خاص دارد. چگونگی خانه و مسکن و لباس و آراستگی و نظافت و عطر و خرید و فروش و کسب و کار و دخل و خرج، وام دادن و وام گرفتن، مشورت کردن، برخورد با همسایه، مراعات حقوق همنوعان و هم‌کیشان، روابط زن و شوهر و والدین و فرزندان، روش علم‌آموزی و حقوق متقابل معلم و شاگرد و حاکم و رعیت و... همه از مواردی است که دین ما درباره آن‌ها حرف و رهنمود و توصیه دارد.

رعایت این آداب و سنن، مایه سلامت جسم و جان و آرامش روان است.

در دستوره‌های دینی آمده است: در مصیبت‌ها صبور باشید و جزع و فزع نکنید، نعمت‌های الهی را بشناسید و زبان شاکر داشته باشید، با دیگران صادق و راست کردار باشید، به قولی که می‌دهید وفا کنید، کم بخورید، زود بخوابید و سحرخیز باشید، با مصیبت‌دیدگان همدردی کنید، در تشییع جنازه و مجالس ختم و تسلیت مردگان شرکت کنید، لباس تجملاتی و تشریفاتی نپوشید، نعمت‌های خود را به رخ دیگران نکشید، قبل از غذا دست‌های خود را بشوید، غذا را با اندکی نمک شروع کنید، در اوّل طعام و پایان آن با نام خدا شروع و با حمد الهی به پایان ببرید، تنها نخوابید، تنها سفر نروید، وقتی به بچه وعده می‌دهید وفا کنید، باوقار و آرامش راه بروید، و صدها دستور دیگر که جزو آداب مسلمانی و سنن دینی است.

در این زمینه‌ها، هم مجموعه‌های روایی و حدیثی از سوی علمای گذشته تدوین شده است، هم کتب اخلاقی توسط نویسندگان تألیف شده است.

..... محاسبه نفس

از برنامه‌های سودمند و تربیتی و خودسازی، که مورد سفارش فراوان ائمه است، «محاسبه» است. انسان هر روز باید از خودش حساب بکشد و اعمال صبح تا شب خود را مورد دقت و ارزیابی قرار دهد و سعی کند بر خوبی‌هایش بیفزاید و از بدی‌هایش بکاهد. پیامبر خدا ﷺ فرمود:

پیش از آن‌که به حساب شما برسند، خودتان حساب رسی کنید.

مَحَبَّةُ الْبَيْضَاءِ، ج ۸، ص ۱۶۵

کسی که خود را پیرو امامان می‌داند و افتخارش شیعه بودن و انتظار فرج

مهدی عجل الله فرجه است، باید از عملکرد خویش ارزیابی درست و دقیقی داشته باشد، تا نقطه‌های ضعف و عیوب خویش را بشناسد و اصلاح کند، تا لایق دیدار آن حضرت و خدمت در رکابش باشد و اعمالش مورد رضای مولایش قرار گیرد.

محاسبه در واقع «بازخوانی پرونده عمل» است که توسط شخص انجام می‌گیرد.

امام زمان عجل الله فرجه در سخنی درباره ناگهانی بودن امر ظهور و ضرورت آمادگی تقوایی و عملی، می‌فرماید:

همانا امر ما (ظهور دولت ما) یکباره و ناگهانی خواهد بود، هنگامی که هیچ توبه، توبه‌کننده را سود نبخشد و پشیمانی بر گناه و خطا، کسی را از کیفرمان نرہاند.

احتجاج، ج ۲، ص ۵۹۹

طبق این حدیث، يك منتظر باید پرونده‌ای پاک و قابل دفاع داشته باشد و با خودسازی و اصلاح نفس، آماده درك آن عصر نورانی باشد و بداند که با گذشته ناپاک و بدون توبه و تزکیه، نمی‌تواند در سلك یاران حضرت قرار گیرد، یا از مؤاخذه‌ها مصون بماند.



قسمت دوم

موانع فراروی مصلحان از دیدگاه قرآن وراهکارهای مقابله مهدویت با آنها

حجت الاسلام محمد صابر جعفری، با اندکی تلخیص

* نپذیرفتن حق

منافقان که، خود را مؤمن معرفی می‌کنند و در واقع، کافرند و از قبول دعوت خدا اعراض می‌کنند: «و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: به سوی آنچه خداوند نازل کرده است و به سوی پیامبر بیایید، منافقان را می‌بینی که از قبول دعوت تو اعراض می‌کنند.»

نساء: ۶۱

* نداشتن بندگی و عبودیت واقعی

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَىٰ يُرَاؤْنَ النَّاسَ وَلَا يُذَكِّرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا؛ منافقان می‌خواهند با خدا نیرنگ کنند؛ در حالی که او آن‌ها را فریب می‌دهد. هنگامی که به نماز برمی‌خیزند، با کسالت برمی‌خیزند و برابر مردم، ریامی‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌نمایند.»

بقره: ۸، توبه: ۶۲

* استهزا و تمسخر مؤمنان

زمانی که افراد با ایمان را ملاقات می‌کنند، و می‌گویند: ما ایمان آورده‌ایم؛ [ولی] هنگامی که با شیطان‌های خود خلوت می‌کنند، می‌گویند: ما با شما مییم. مافقط [آنهارا] مسخره می‌کنیم. بقره: ۱۴

در قسمت اول بیان شد که همیشه فراروی تمام پیامبران و مصلحان، موانعی جدی بوده است. قرآن همچون آینه‌ای برای خردورزان و اهل بصیرت، به خوبی نمایانگر رفتارها و واکنش‌های اصناف مختلف مخالفان در رویارویی با پیامبران و مصلحان است. «کفار» به عنوان اولین نمونه بیان شد و اینک ادامه بحث.

گروه‌های معاند و موانع از منظر قرآن

دو. منافقان

گروه دومی که مقابل پیامبران و اولیای خدا ایستاده، در دسرها و سختی‌های زیادی ایجاد کرده‌اند؛ منافقانند. قرآن، منافقان را در دنیا و آخرت نزدیک‌ترین افراد به کفار می‌داند.

«... هُمْ لِلْكَفَرِ يَوْمِيذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ؛ آل عمران: ۱۶۷

... آن‌ها در آن هنگام، به کفر نزدیک‌تر بودند، تا به ایمان. به زبان خود چیزی می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خداوند از آنچه کتمان می‌کنند، آگاه‌تر است.»

«... إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا؛ نساء: ۱۴۰

خداوند، منافقان و کافران را همگی در دوزخ جمع می‌کند.»

ضربه منافقان، در طول تاریخ به پیکر صفوف مؤمنان، بسیار بیشتر از ضربه کفار بوده است. خطر دشمن درونی، همیشه بیشتر از دشمن بیرونی بوده است. پیامبر ﷺ بارها فرموده است:

«من بر شما از منافق شیرین‌تر از زبان، نگران‌تر هستم که گفتارش با شما مطابق و رفتارش با شما ناسازگار است.» تحف العقول، ص ۱۱۹.

این مسأله در مهدویت نیز به طور جدی مطرح است. در دوران غیبت، سست عنصرانی که خود را مؤمن می‌نامند؛ و دل در گرو افکار و انحرافات دشمن نهاده‌اند، در صفوف مؤمنان و منتظران، تزلزل و انحراف ایجاد می‌کنند. در هنگام ظهور نیز، مطابق سنت الهی، می‌خواهند قد علم کنند و با کلام و چهره مؤمنانه، مقابل ولی خدا و راه او بایستند؛ لذا آیات فراوانی، به بحث منافقان پرداخته:

* تهمت و افترا

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ؛ و هنگامی که به آنان گفته شود: همانند مردم ایمان بیاورید! می‌گویند: آیا همچون ابلهان ایمان بیاوریم؟! بدانید این‌ها همان ابلهانند؛ ولی نمی‌دانند.» بقره: ۱۳

* بهانه جویی برای فرار

«و به خاطر آورید زمانی را که گروهی از آن‌ها گفتند: ای اهل یترب [ای مردم مدینه]! این‌جا، جای توقف شما نیست؛ به خانه‌های خود بازگردید و گروهی از آنان، از پیامبر اجازه بازگشت می‌خواستند و می‌گفتند: خانه‌های ما بی حفاظ است؛ در حالی که بی حفاظ نبود. آن‌ها فقط می‌خواستند فرار کنند.»

احزاب: ۱۳، توبه: ۸۶

* ارائه دادن خلاف واقع

خلاف واقع را با سوگندها و دروغ‌ها، واقعی نشان می‌دهند که این موضوع، خود بدترین آسیب برای یک جامعه است:

«...سَيُخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛ به تحقیق، به خدا سوگند یاد می‌کنند که: اگر توانایی داشتیم، همراه شما حرکت می‌کردیم [آن‌ها با این اعمال و این دروغها] خود را هلاک می‌کنند و خداوند، می‌داند آن‌ها دروغگو هستند.» توبه: ۴۲، آل عمران: ۱۶۷، توبه: ۵۶

منافقانی که به حسین بن علی علیه السلام نامه نوشتند و او را به کوفه دعوت کردند ولی بعد در میدان یاری، حضرت را رها نمودند، نمونه‌ای از این ویژگی‌اند.

رک: بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۴

* عامل دلسردی مؤمنان

منافقان، در صحنه‌های متفاوت، میدان را خالی کرده، دنبال اجازه گرفتن و فرار از میدانند. این خود، باعث دلسردی برخی مؤمنان می‌شود.

«وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَ قَالُوا دَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ؛ و هنگامی که سوره‌ای نازل شود که: به خدا ایمان بیاورید و همراه پیامبرش جهاد کنید»، افرادی از آن‌ها [گروه منافقان] که توانایی دارند، از تو اجازه می‌خواهند و می‌گویند: بگذار ما با قاعدین [آن‌ها که از جهاد معافند] باشیم.» احزاب: ۱۳، توبه: ۸۶.

* دعوت به بدی‌ها و منع از خوبی‌ها

«الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيهِمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ مردان و زنان منافق، همه از یک گروهند. آن‌ها امر به منکر، و نهی از معروف می‌کنند و دست‌هایشان را [از انفاق و بخشش] می‌بندند. خدا را فراموش کردند؛ خدا [نیز] آن‌ها را فراموش کرد. به یقین، منافقان همان فاسقانند.» توبه: ۶۷

* ایجاد تردید و اضطراب

«لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا...؛

اگر آن‌ها همراه شما [به سوی میدان جهاد] خارج می‌شدند، جز اضطراب و تردید، چیزی بر شما نمی‌افزودند.»

توبه: ۴۷

* کمک به دشمن با

مقدس نمایی

منافق، از ابزارهای مقدس، در راستای اهداف دشمنان مدد می‌جوید:

«وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَاجًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لِيُخْلِفُوا إِنَّا نَرْدُنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛

[گروهی دیگر از آن‌ها] کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان [به مسلمانان] و [تقویت] کفر، و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان، و کمین‌گاه برای کسی که از پیش، با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود. آن‌ها سوگند یاد می‌کنند:

جز نیکی، نظری نداشته‌ایم؛ اما خداوند گواهی می‌دهد که آن‌ها دروغگو هستند.»

توبه: ۱۰۷





در هنگام ظهور نیز، منافقان، به دنبال دسیسه و فتنه‌اند و حضرت نیز چنان عمل می‌کند که پیامبر ﷺ به آن مأمور شد: «ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آن‌ها سخت بگیر! ...» توبه: ۷۳

اما این بار، عاقبت منافقان، مانند گذشته نیست که بتوانند از محکمه بگریزند حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه مانند جد بزرگوارش، حضرت علی عجل الله تعالی فرجه چشم فتنه را بیرون خواهد کشید؛ اما در گستره جهان هستی و برای همیشه.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، در جنگ با منافقان، آنان را نابود می‌سازد: «[حضرت]... تمام منافقان را نابود می‌کند.» بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸ حضرت علی عجل الله تعالی فرجه فرمود: «زمین را از هر آلودگی و نیرنگ پاک می‌سازد.»

بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه پایه‌های شرک و نفاق را از بین می‌برد و شاخه‌های نفاق و گمراهی را درو می‌کند؛ این‌ها آرزوهایی است که در دعا‌های منتظران، تکرار می‌شود: «این هادم اَبْنِيَةِ الشَّرْكِ وَ النِّفَاقِ»، همان، ج ۹۹، ص ۱۰۶؛ دعای ندبه، «أَيْنَ حَاصِدُ فِرْعَوْنَ وَ النِّفَاقِ»، همان «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزِّزُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تَذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ.» کافی، ج ۳، ص ۴۲۴؛ دعای افتتاح ادامه دارد

* تفرقه افکنی و فتنه‌گری

«اگر آن‌ها همراه شما [به سوی میدان جهاد] خارج می‌شدند، ... به سرعت بین شما به فتنه‌انگیزی (و ایجاد تفرقه و نفاق) می‌پرداختند.» توبه: ۴۷

* جاسوسی برای دشمن

«... فَيَكُفُّ سَمَاعُونَ لَهُمْ...؛ در میان شما، افرادی هستند که به سخنان آن‌ها کاملاً گوش فرامی‌دهند.» توبه: ۴۷

* فسق و فجور

«مردان و زنان منافق، همه از يك گروهند. آن‌ها امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند و دست‌هایشان را [از انفاق و بخشش] می‌بندند. خدا را فراموش کردند و خدا [نیز] آن‌ها را فراموش کرد. به یقین، منافقان، همان فاسقانند.» توبه: ۶۷

* نافرمانی از فرامین خدا و رسولش

«اگر [همانند بعضی از امت‌های پیشین]، به آنان دستور می‌دادیم: یکدیگر را به قتل برسانید یا از وطن و خانه خود، بیرون روید، تنها عده کمی از آن‌ها عمل می‌کردند. اگر اندرزهایی را که به آنان داده می‌شد انجام می‌دادند، برای آن‌ها بهتر بود و موجب تقویت ایمان آن‌ها می‌شد.» نساء: ۶۶ درون اجتماع مؤمنان، برای دشمن عمل می‌کنند. حتی از ابرازهای دینی، مدد می‌جویند. این معضل، در دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در سخنان و رفتار منافقانی است که در امتحان‌های متفاوت برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و مؤمنان سوگند می‌خورند که منتظرند و شیعه‌اند؛ ولی عملی انجام نمی‌دهند و گاه، سخن دشمنان را بازگو می‌کنند؛ برای مثال در دوران غیبت که موظف به اطاعت از علما به عنوان نواب عام شده‌اند، سر می‌پیچند یا تقوای الهی را که در روایات انتظار، بسیار به آن پرداخته شده است، فراموش می‌کنند. اینان، چون ایمان واقعی ندارند، با طرح مطالب واهی و بهانه‌تراشی، در قلوب مؤمنانی که از بهره علمی و دینی کمتری برخوردارند، تردید ایجاد می‌کنند. با سخنان جدی یا استهزا، دشمنان امامت و مهدویت را شاد می‌کنند. به ظاهر مؤمنند؛ ولی خیرخواهی و دلسوزی برای دین و امام دین، ندارند. مصلحت دین و جامعه اسلامی را فدای امیال نفسانی و گاه عادت و خرافات خود می‌کنند.



قسمت سوم

سلاح دعا

در دستان مبارک ائمه علیهم السلام

اهل بیت علیهم السلام در قالب دعاها و زیارات، به بیان بسیاری از مسائلی که تأثیر اساسی در حیات بشر دارد پرداخته‌اند و به جامعه‌ی بشری بهترین درس‌های زندگی را داده‌اند.

نمونه‌ی این حقیقت، «صحیفه‌ی سجادیه» امام زین العابدین علیه السلام است که حقایق بزرگی را در الفاظ کوتاه به عنوان دعا و مناجات، بیان فرموده است. بررسی موضوع مهدویت در صحیفه‌ی سجادیه مقدماتی دارد که به برخی از آن‌ها در شماره‌های قبل به صورت مختصر (گام‌های اول تا چهارم) اشاره شد. در ادامه به تکمیل مباحث گذشته می‌پردازیم:

گام پنجم: جایگاه حجت حی الهی

در دعای عرفه به صورت خاص به جایگاه حجتی که حضورش ضروری است، تصریح شده است و از نوع دعا درباره‌ی آن ولی خدا استفاده می‌شود که منظور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است:

بار خدایا، تو در هر زمان دین خویش به امامی است حکام بخشیده‌ای و او را بر پای داشته‌ای تا پرچم راهنمای بندگان شود و در سرزمین‌های تو چراغ فروزان هدایت گردد و رشته‌ی پیمان او را به رشته‌ی پیمان خود پیوسته‌ای و او را وسیله‌ی خشنودی خود ساخته‌ای و اطاعت او را فریضه گردانیده‌ای و مردم را از سرکشی در برابر او برحذر داشته‌ای و فرمان داده‌ای که به هر چه امر می‌کند اطاعت کنند و از هر چه نهی می‌کند، باز ایستند و کس بر او پیشی نگیرد و کسی از او واپس نماند و او نگهدار کسانی است که به او پناه می‌برند و کشف امان مؤمنان است و حلقه‌ی اعتصام ایشان است و جلال و جلوه‌ی جهانیان است.»

صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، فراز ۶۰

آموزه‌ها و پیام‌ها

برخی از مقامات تبیین شده در این دعا برای حجت حی الهی عبارتند از:

یک. ضرورت حضور؛

(اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيْدَتَ دِينَا فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ)

دو. منصوب از ناحیه‌ی خداوند متعال؛
(بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ)

سه. تحکیم بخش و تأییدکننده‌ی دین خدا؛ (أَيَّدْتَ دِينَكَ)

چهار. راهنما و وسیله‌ی هدایت مردم در زمین؛ (مَنَارًا فِي بِلَادِكَ)

پنج. دارای پیوند با آسمان؛
(بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ)

شش. وسیله و مسیر جلب رضایت الهی؛ (جَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ)

هفت. پناه پناه‌جویان و امان مؤمنان؛
(عِصْمَةَ الْأَثَرِيِّينَ، وَكَهْفَ الْمُؤْمِنِينَ)

هشت. حسن و جمال جهانیان؛
(وَبَهَاءَ الْعَالَمِينَ).

گام ششم: دعا در حق حجت حی و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

بعد از معرفی جایگاه حجت حی، دعا در حق ابن ولی خدا آغاز می شود که به صورت فهرست وار به آن اشاره می شود. نوع دعاها معلوم می کند که دعا در حق چه کسی بوده و کدام امام و حجت الهی منظور امام سجاد علیه السلام است.

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيهِ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَ اعْنَهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ، وَ اشْدُدْ أَرْزَهُ، وَ قَوِّ عَضُدَهُ، وَ رَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَ اَحْمِهِ بِحِفْظِكَ، وَ انصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَ امدُدْهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ؛ همان، فراز ۶۱

بار خدایا، به ولی خود الهام نما که شکر نعمتی را که به او ارزانی داشته ای به جای آرد و ما را نیز الهام ده که شکر نعمت هدایت او به جای آریم و او را از جانب خود سلطه و توانایی ده و به آسانی راه پیروزی بر او بگشای و به نیرومندترین ارکان قدرت خود یاری اش فرمای و پشتش محکم و بازوانش توانا گردان و زیر نظر مراقبت خویش قرار ده و در سایه ی حفظ خود حفظش نمای و به ملائکه خود یاری اش ده و به لشکر پیروزمند خود مددش رسان.

وَ اَقِمَّ بِهِ كِتَابَكَ وَ حُدُودَكَ وَ شَرَائِعَكَ وَ سُنَنَ رَسُولِكَ، - صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ -، وَ اُحْيِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَ اجْلُ بِه صَدَاءَ الْجُورِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، وَ اِبْنِ بِه الصِّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَ اَزِلْ بِه النَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَ اَمْحَقْ بِه بُغَاةَ قُصْدِكَ عَوْجًا؛ همان، فراز ۶۲

ای خداوند، کتاب خود، حدود و شرایع خود و سنت های پیامبر خود را صلوات الله علیه بدو بر پای دار و هر چه را ظالمان از معالم دینت میرانیده اند بدو زنده دار و بدو زنگ ستم ستمکاران از آیین خویش بزدا و بدو دشواری ها را از راه خود دور گردان و به نیروی او کسانی را که از راه تو منحرف شده اند از میان بردار و آن کسان را که صراط مستقیم تو را راه کج جلوه می دهند نابود نمای.

وَ اَلِنْ جَانِبَهُ لِأَوْلِيائِكَ، وَ اَنْبِطْ يَدَهُ عَلَى اَعْدَائِكَ، وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَ رَحْمَتَهُ وَ تَعَطُّفَهُ وَ تَحَنُّنَهُ، وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَ فِي رِضَاهُ سَاعِينَ، وَ اِلَى نَصْرَتِهِ وَ الْمُدَافَعَةِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ، وَ اِلَيْكَ وَ اِلَى رَسُولِكَ - صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - بِذَلِكَ مُتَّقِرِينَ؛ همان، فراز ۶۳

ای خداوند، ولی و امام خود را برای دوستانت قلبی مهربان و نرم عطا کن و دست قدرت او بر دشمنانت گشوده گردان و رأفت و رحمت و عطوفت و محبتش را نصیب ما گردان و ما را از شنوندگان و فرمانبرداران امر او قرار ده و چنان کن که در راه رضای او سعی کنیم و یاری اش نماییم و مدافع او در برابر دشمنش باشیم و این سبب تقرب ما به تو و رسول تو - صلوات الله علیه - گردد.

آموزه ها و پیام ها

یک. خدایا او را سپاس گزار نعمتی که به او عطا کردی قرار بده؛

(اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيهِ)

دو. او را از جانب خود تسلط و توانمندی بده؛ (وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا)

سه. راه پیروزی را بر او به آسانی بر او بگشا؛ (وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا)

چهار. او را به نیرومندترین ارکان قدرت خود یاری ده؛ (وَ اعْنَهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ)

پنج. پشتش را محکم و بازوانش را توانا گردان؛ (وَ اشْدُدْ أَرْزَهُ، وَ قَوِّ عَضُدَهُ)

شش. او را تحت مراقبت خویش قرار ده؛ (وَ رَاعِهِ بِعَيْنِكَ)

هفت. او را در سایه ی حفاظت خود حراست کن؛ (وَ اَحْمِهِ بِحِفْظِكَ)

هشت. او را به ملائکه و لشکر پیروزمند خود مدد رسان؛ (وَ انصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَ امدُدْهُ

بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ)



نه. کتاب، حدود، شرایع و سنت های پیامبر خود را بدو برپا دار؛ (وَ اَقِمَّ بِهِ كِتَابَكَ وَ حُدُودَكَ وَ شَرَائِعَكَ وَ سُنَنَ رَسُولِكَ)

ده. هر چه را ظالمان از معالم دینت میرانیده اند، بدو زنده دار؛ (وَ اُحْيِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ)

یازده. به وسیله ی او زنگ ستم ستمکاران از آیین خویش بزدا؛

(وَ اجْلُ بِه صَدَاءَ الْجُورِ عَنْ طَرِيقَتِكَ)

دوازده. به وسیله ی او دشواری ها را از راه خود دور گردان؛ (وَ اِبْنِ بِه الصِّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ)

سیزده. به نیروی او کسانی را که از راه تو منحرف شده اند از میان بردار و آن کسان را که صراط مستقیم تو را راه کج جلوه می دهند، نابود نمای؛ (وَ اَزِلْ بِه النَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَ اَمْحَقْ بِه بُغَاةَ قُصْدِكَ عَوْجًا)

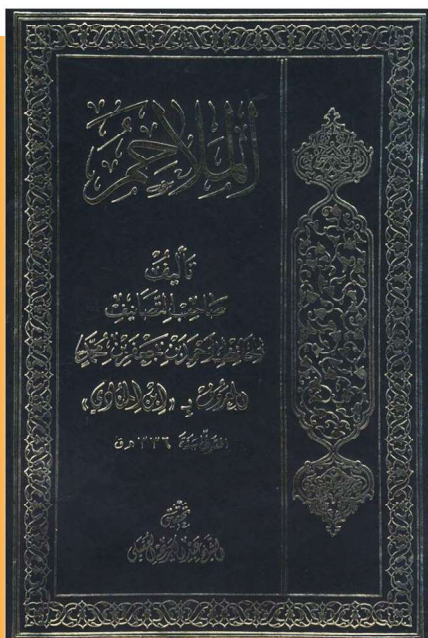
چهارده. دست قدرت او را بر دشمنانت گشوده گردان؛ (وَ اَنْبِطْ يَدَهُ عَلَى اَعْدَائِكَ)

در این فرازها در کنار معرفی امام عصر علیه السلام، به تبیین دستاوردهای حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و وظایف مردم نسبت به حضرت پرداخته شده است که به اختصار، به این دو موضوع نیز در شماره بعد اشاره خواهد شد.

ادامه دارد

الملاحم ابن منادی

کتابشناسی مهدویت.....



کتاب‌های فتن و ملاحم از جمله منابع مهم درباره مهدویت به شمار می‌روند. کتاب الملاحم نوشته احمد بن منادی از محدثان اهل سنت، از آن دسته کتاب‌هاست. این اثر حاوی روایات مرتبط با مهدویت است. در باب‌هایی به نشانه‌های ظهور پرداخته و به تفصیل از دجال سخن گفته است. بخش عمده روایات وی مستند به معصوم نیست، علاوه بر آن، روایات وی در متون بعدی بازتاب نداشته است که اعتبار این کتاب را با تأمل روبرو می‌کند.

ملاحم و فتن نگاری

ملاحم نگاری یا پیش‌گویی حوادث مهم، پیشینه‌ای به قدمت ادیان الهی دارد و در روایات اسلامی عنوان «ملاحم و فتن» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مؤلفان شیعه غالباً از عنوان «ملاحم» استفاده کرده و حوادث آخرالزمان و نشانه‌های ظهور را در کتاب‌هایی با عنوان «الملاحم» آورده‌اند. به نظر می‌رسد، عنوان «فتن» در میان اهل سنت و عنوان «ملاحم» در میان مؤلفان شیعه خصوصیتی داشته که در انتخاب نام کتاب به آن توجه کرده‌اند. این خصوصیت را می‌توان ناشی از اختلاف دیدگاه شیعه و اهل سنت درباره نظام حاکم دانست؛ زیرا بیشتر قیام‌ها که علیه دستگاه خلافت شیعیان (به معنای عام)، صورت پذیرفته، از دیدگاه اهل سنت فتنه به شمار می‌آید.

فصول کتاب

کتاب ملاحم ابن منادی از ۴۷ باب تشکیل شده است؛ از باب یازدهم به علایم آخرالزمان پرداخته شده، به گونه‌ای که در برخی از ابواب فقط به چند روایت کوتاه اشاره شده است. ذکر دجال، سفیانی، فتح قسطنطنیه، جنگ با ترک و بربر، مکان‌های امن، شورش زنگیان بصره و فتنه بغداد از جمله این روایات است. آن‌گاه دو باب (۲۲ و ۲۴) را به مهدی عجل الله فرجه اختصاص داده و روایاتی درباره فاطمی بودن آن حضرت نقل کرده است. پس از آن در باب‌های ۲۵-۳۴ به نشانه‌های ظهور پرداخته و به تفصیل از دجال سخن گفته است. در باب ۳۵ به نقل روایات مشهور «اثنی عشر ائمة خلیفة» از زبان رسول الله می‌پردازد و عنوان آن را «خلفای پس از حسنی» قرار می‌دهد. بنابراین، ابن منادی هم مانند دیگر دوستان سنی‌اش نتوانسته مفهوم و مصداق دوازده جانشینی را که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده، درک کند. در ادامه ابواب، به نشانه‌هایی دیگر از قبیل دابه، یا جوج و مأجوج، طلوع خورشید از مغرب و قحطانی پرداخته شده است. مصحح کتاب نوشته که ابن منادی کتابش را به سه بخش (الفتن، الملاحم و الزیادات فی الفتن و الملاحم) تقسیم کرده است.

اعتبار کتاب

ملاحم ابن منادی با رویکردی غیرشیعی نوشته شده و راویان آن از راویان اهل سنت هستند. حتی در مواردی از کتاب مانند باب‌های چهارم و پنجم، تمامی روایات موقوف است و سند آن به معصوم نمی‌رسد. طبیعی است چنین روایاتی که از صحابه یا تابعین نقل شده و فقط سخن آنان را بیان می‌کند، در میان محدثان شیعه اعتباری ندارد.

یکی از ملاک‌های تشخیص اعتبار کتاب، نقل دیگران از آن است. با آن‌که محدثان اهل سنت و گاه شیعه از ابن منادی فراوان یاد کرده و احادیث او را در کتب خود آورده‌اند، به ندرت از کتاب ملاحم او نام برده‌اند.

حتی سید بن طاووس که از چنین کتاب‌هایی نقل می‌کرده، این کتاب را در اختیار داشته و از آن حدیثی نقل نکرده است. در مجموع باید گفت آن‌چه از احادیث این کتاب در منابع دیگر موجود است و قرینه بر صحت آن وجود دارد، پذیرفتنی است و منفردات آن که غالب روایات این کتاب را تشکیل می‌دهند، محل بررسی و تأمل است.

سنت آزمون و بلاای الهی



اعتقاد اسماعیلیه

..... آیا می دانید ؟

یکی از سنت‌های الهی که بسیار مهم و اساسی است، «سنت آزمون و بلاهای الهی» است که همگان بدان آزموده و امتحان می‌شوند تا خوب و بد از هم جدا شوند و سره از ناسره باز شناخته و ظرفیت‌های انسانی نمودار گردد و توان و استعدادها شکوفا و رشد و تکامل برای فرد و جامعه ایجاد شود. فتنه‌ها و بلاها در قالب‌های خیر و شر و نعمت و نعمت بر انسان و اجتماع وارد می‌شوند و انسان می‌بایست با توجه به این سنت‌ها، واکنش مناسب نشان دهد و با صبر و استقامت، به دور از جزع و فزع، به توفیق الهی از مشکلات سربلند بیرون آید.

بقره، ۱۵۵ و ۱۵۶؛ عنکبوت، ۲ و ۳؛ آل عمران، ۱۷۹ و ۱۸۶؛ مائده، ۴۸؛ محمد، ۳۱؛ انبیاء، ۳۵؛ از این رو، صحنه زندگی همواره صحنه آزمایش است، تا انسان‌ها در پرتو باورهای صحیح، اجرای دستورهای الهی و شکیبایی در برابر ناملایمات، تربیت یابند و به کمال برسند.

از آن جا که یکی از حکمت‌های غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف آزمایش مردم شمرده شده است و به دلیل عدم حضور ظاهری امام، این امتحان و ابتلا بسیار مشکل و طاقت فرسا است و در تکامل روحی انسان‌ها نقش بسیار مهم و مؤثری دارد. با این آزمایش است که آشکار می‌شود چه کسی ثابت قدم و استوار است و چه کسی در ایمان و اعتقاد سست و مردد.



..... آیا می دانید ؟

اسماعیل، فرزند ارشد امام صادق علیه السلام حدود سال ۱۰۵ ق، از مادری علوی به دنیا آمد.

مرگ ناپهنگام اسماعیل باعث شد عده‌ای از هواداران وی به امامت او قائل شوند.

آن‌ها معتقدند امام علیه السلام او را به عنوان امام بعد از خود انتخاب کرده است. و لذا او را زنده و مهدی موعود خواندند.

صبر، به امتحان با بلاهای سخت، ترس، گرسنگی

و فقدان عزیزان - به ویژه بردباری بر مشکلات

زمان غیبت و نزدیک ظهور - تفسیر نشده و

استقامت در این مشکلات، شرط آمادگی

برای انتظار تا ظهور است.

محمد بن ابراهیم نعمانی،
الغیبه، ص ۲۵۰، ج ۶.



یک دعای دیگر هم بکنید!

وقتی که دعای می‌کنید برای فرج امام زمان عجل الله فرجه،
 یک دعای دیگر هم بکنید:
 «اجعل لنا في ذلك الخيرة»، [برای ما
 در آن خیر قرار بده]؛ چرا که اگر ما قبل
 از ظهور از ایمان [برگردیم، دیگر ظهور
 به درد ما نمی‌خورد!]

راهی برای تحقق ظهور

سوال: آیا برای وقت ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه غیر از

روایات «مُلِّتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» راه دیگری وجود دارد؟

جواب: بله اگر عده‌ای توافق بر صلاح کنند، در ظهور آن حضرت مؤثر است؛ چنان که
 «مُلِّتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» مؤثر است، ولی این فقط «اگر» است. و می‌گویند «اگر» را با «مگر» پیوند
 دادند و از جمع آن دو کاشکی (ای کاش!) در آمد! (۱)

سوال: آیا در این زمینه که «اگر عده‌ای بر صلاح توافق کنند، آن حضرت ظهور می‌کند»، روایتی وجود دارد؟

جواب: بله، از ناحیه مقدسه وارد شده است که: «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا»، [اگر شیعیان ما- که خداوند در بندگی خود موفقشان بدارد- در راه وفای به پیمانی که بر عهده دارند همدل می‌شدند، فیض ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌شد]؛ یعنی دعای حقیقی و جامع شرایط عده‌ای از اهل خیر و صلاح برای فرج، به حدی برسد که مستجاب شود. (۲)

۱. یعنی راه‌های دیگری برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام وجود دارد؛ مثل توافق مؤمنان بر صلاح و درستی و وفای به عهد با حضرت، ولی متأسفانه ما این راه‌ها را کرده ایم و از طی نمودن این مسیر، تنها در «ای کاش اصلاح می‌شدیم» توقف نموده ایم!

۲. در بخشی از نامه امام عصر علیه السلام به مرحوم شیخ مفید چنین آمده است: «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِتَأَقُّمِ تَحْبُسِنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا تَكْرَهُهُ وَلَا تُوَيِّزُهُ مِنْهُمْ؛ و چنانچه شیعیان ما- خدا به طاعت خود موفقشان بدارد- قلباً در وفای به عهدشان اجتماع می‌شدند نه تنها سعادت لقای ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد، که سعادت مشاهده ما با شتاب به ایشان می‌رسید و اینها همه در پرتو شناخت کامل ما و صداقت محض نسبت به ما می‌باشد، بنا براین، هیچ چیز ما را از ایشان محبوس نمی‌دارد جز اخباری که از ایشان بما می‌رسد و ما را مکروه و ناراحت می‌سازد و از ایشان انتظار نداریم؛ الاحتجاج، ترجمه جعفری، ج ۲، ص ۶۵۵»

دسته گل‌های نرگسی

(امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف در کلام مرحوم آیت الله بهجت رحمته الله)

کتاب حضرت حجت؛ مجموعه بیانات و اشارات آیت الله بهجت رحمته الله
 پیرامون حضرت ولی عصر عجل الله تعالى فرجه الشريف، صص ۱۸۳ تا ۱۸۵



انفجار نور

حجت الاسلام خدامراد سلیمیان

محل ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از مهم ترین مسجدهای روی زمین، مسجد الحرام است. این مسجد که محیط بر کعبه و قبله گاه مسلمانان است، بین مسلمین از جایگاه ویژه ای برخوردار است. این مسجد در طول تاریخ بعثت پیامبران الهی از قداست و عظمت ویژه ای برخوردار بوده و به نیکی از آن پاسداری می کرده اند.

از آنجا که آغاز رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن جا بوده و نیز همه مسلمانان به طرف آن نماز می گزارند، همچنان در نگاه مسلمین دارای عظمت است؛ به ویژه آن که در برخی روایات، محل آغاز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است. (شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ص ۴۷۶، ج ۵۰۲)

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

همانا قائم، آن گاه که خروج کند، به مسجد الحرام داخل شده، در حالی که رو به کعبه کرده است به مقام تکیه می زند و (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۹)

سخنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روز ظهور

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور و پیش از قیام خطبه ای ایراد خواهد کرد. امام باقر علیه السلام فرمود:

قائم، آن هنگام [= ظهور] در مکه است. پشت به بیت الله الحرام تکیه داده چنین ندا کند: «ای مردم! ما از خدا یاری می طلبیم و از مردمی که دعوت ما را اجابت کنند. ما اهل بیت پیامبران، محمد هستیم و سزاوارترین مردم به خدا و به محمد صلی الله علیه و آله، هر کس درباره آدم با من احتجاج کند، باید بداند که من نزدیک ترین کس به آدمم. هر کس درباره نوح با من به گفت و گو برخیزد، بداند که من سزاوارترین کس به نوحم. هر کس در باره ابراهیم با من احتجاج کند، بداند که شایسته ترین مردمان به ابراهیمم. هر کس در مورد محمد صلی الله علیه و آله با من محاجه نماید، بداند که من نزدیک ترین مردمان به محمدم. هر کس درباره پیامبران با من گفت و گو کند، من سزاوارترین مردمان به پیامبرانم. آیا خدای تعالی در کتاب خویش نمی فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ (ال عمران: ۳۳-۳۵). خدای متعال آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید؛ فرزندانی که برخی از برخی دیگرند و خدا شنوا و دانا است.»

من بازمانده آدم، ذخیره ای از نوح، برگزیده ای از ابراهیم و انتخاب شده ای از محمد صلی الله علیه و آله هستیم. بدانید هر کس در کتاب خدا با من به احتجاج برخیزد، من سزاوارترین مردم به کتاب خدا هستم. بدانید هر کس در سنت رسول خدا با من محاجه نماید، من به سنت رسول خدا سزاوارترینم. شما را به خدا سوگند! هر کس سخن را امروز بشنود، به دیگری که حاضر نیست برساند. به حق خدا و حق پیامبرش و به حق خودم که حق من بر شما، حق قرابت من به پیامبر خدا است از شما می خواهم مرا یاری نمایید و برابر کسانی که به ما ظلم کردند، از ما حفاظت کنید. ما را بیم دادند و به ما ستم کردند و ما را از دیار و فرزندانمان راندند. بر ما جور نمودند و حقمان را سلب کردند و اهل باطل بر ما دروغ بستند.

خدا را؛ خدا را؛ ما را در نظر آورید، ما را رها نکنید و یاریمان کنید که خدای تعالی شما را یاری خواهد نمود. (نعمانی، الغیبة، باب ۱۴، حدیث ۶۷)

البته در بیانات نورانی اهل بیت علیهم السلام خطبه های دیگری نیز به آن حضرت نسبت داده شده است.



فرزانه روحانی مهدی

شیوه‌های معرفی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن و روایات تفسیری

قرآن کریم به سه صورت از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد کرده است:

یک. یادکرد مستقیم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دوران ایشان

عقیده به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از عقاید مسلم فریقین است که روایات فراوانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت معصوم ایشان درباره آن نقل شده است و این روایات از تواتر معنوی برخوردار است، حتی آن دسته از روشنفکران اهل سنت که در پی مخدوش ساختن این اندیشه به تضعیف احادیث پرداخته‌اند، به اعتبار دست کم چهار حدیث گواهی داده‌اند. بنابراین، قرآن که هر چیزی در آن بیان شده است؛ بی تردید از این اصل اعتقادی اسلام نیز سخن گفته است؛ از جمله در آیاتی که به طور مستقیم از آینده روشن جهان در پایان حیات بشر در زمین سخن می‌گوید؛ مانند آیاتی از قرآن که پیروزی جبهه خدا و رسولان، و صالحان را نوید می‌دهد و از تحقق دین خدا و ظهور تام نور خدا بر زمین و پاک شدن زمین از لوث شرک و عبودیت حقیقی و همگانی پروردگار و گشوده شدن درهای برکات آسمان؛ سخن می‌گوید. روایات ذیل این آیات نیز مؤید این مطلب است که این آیات درباره دوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن می‌گویند؛ زیرا روایات فریقین دوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را، دوران شکوفایی عقل بشر و پیروزی دین حق و غلبه آن بر تمام ادیان و آبادانی زمین؛ ریزش برکات آسمانی و زمینی بر بندگان و استقرار کامل عدالت و نزول عیسی بن مریم دانسته‌اند.

اکنون به بررسی چند نمونه از آیات می‌پردازیم:

* وعده پیروزی خدا و پیامبران او

«خدا مقرر داشته که البته من و پیامبرانم پیروزی می‌شویم؛ زیرا خدا توانا و پیروزمند است»؛ مجادله: ۲۱.

در این آیه، خداوند از قطعیت پیروزی جبهه حق خبر می‌دهد که پیروزی همه جانبه و بی قید و شرط خدا و رسولان در دنیاست و این وعده فراگیر، وعده ای صادق است که در زمان کنونی محقق نشده است. در طول تاریخ برخی رسولان الهی به طور مقطعی و موقت و یا در محدوده ای از جهان پیروزی یافته‌اند؛ مانند حضرت نوح علیه السلام که در مقطعی، طوفان او تمام زمین را دربرگرفت و همه کافران هلاک شدند و تنها صالحان نجات یافتند؛ اما دوباره در میان نجات یافتگان شرک و کفر آغاز شد. مؤمنان به وعده‌های صادق الهی در انتظار روزی هستند که منجی موعود، پیروزی فراگیر جبهه حق، یعنی به گستره همه جهان، تا روز قیامت را رقم زند.

* وعده استخلاف صالحان

و برقراری امنیت و غلبه دین

توحید در زمین

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که آنان را به یقین در زمین جانشین می‌گرداند؛ چنان که کسانی را پیش از آن‌ها جانشین گردانید و بی گمان دینی را که برای آنان پسندیده است، برای آن‌ها استوار می‌دارد و [حال] آنان را از پس هراس به آرامش بر می‌گرداند. [آنان] مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نمی‌گردانند و کسانی که پس از این کفر ورزند، نافرمانند»؛

نور: ۵۵

در روایات بسیاری از امام سجاد عجل الله تعالی فرجه الشریف و امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

مصدق و تأویل کامل این آیه، دوران حاکمیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد آمد و صالحان و خلیفه شدگان در زمین، شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام هستند. مفاد آیه و روایات فریقین ذیل آن، گویای آن است که آیه در وصف دوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن می‌گوید.

* اتمام نور خدا و غلبه دین حق بر همه ادیان

«برآنند که نور خداوند را با دهان هاشان خاموش گردانند و خداوند جز این نمی‌خواهد که نورش را کمال بخشد؛ هر چند کافران نپسندند. اوست که پیامبرش را با رهنمود و دین راستین فرستاد تا آن را بر همه دین‌ها برتری دهد؛ اگر چه مشرکان نپسندند»؛ توبه: ۳۲ - ۳۳

همه آیاتی که روزی را نوید می‌دهند که در آن دین حق به طور کامل در زمین برپا می‌شود و بر همه ادیان باطل غلبه می‌کند، به روزگار ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره دارد. تا کنون این وعده موکد پروردگار محقق نشده است و تنها در دوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شاهد وقوع آن خواهیم بود. روایات متعدد نقل شده در ذیل آیه گویای همین مطلب است.

دو یادکرد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ضمن بیان قصص انبیای الهی

به فرموده امیرمؤمنان، علی علیه السلام یک چهارم قرآن به بیان سرگذشت پیامبران الهی و مردمان پیشین اختصاص یافته است. بسیاری از پیام‌های قرآن درباره امام مهدی علیه السلام و دوران ظهور، در داستان پیامبران الهی بیان شده و میان سیره پیامبران الهی علیهم السلام با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شباهت‌های فراوانی وجود دارند. با نظر و تدبیر در آیات قصص انبیا، نشانه‌ها و نمونه‌هایی برای سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قابل استنباط است. بدیهی است برخی مشابهت‌ها، مانند طول عمر حضرت راما به اشاره روایات دانسته‌ایم و با ذکر نمونه آن در سیره پیامبران از امکان آن دفاع می‌کنیم. برخی دیگر از مشابهت‌ها که برخاسته از سنت پایدار و تبدیل ناپذیر الهی است؛ مانند شدت گرفتن ابتلائات و غربال نیکان از بدان و نجات نیکان و عذاب بدان را به طور ضروری می‌توان برای دوران ظهور امام علیه السلام و آستانه آن اثبات کرد؛ زیرا در سنت‌های پایدار و غیرقابل تغییر خداوند ریشه دارد:

* حضرت آدم علیه السلام

داستان حضرت آدم علیه السلام در قرآن با بشارت خداوند به فرشتگان درباره قراردادن خلیفه پروردگار در زمین، آغاز می‌شود. بیان مقام خلافت به شکل عام نشان می‌دهد که خلیفه لزوماً نبی یا رسول یا شخص حضرت آدم علیه السلام نیست؛ بلکه مفهومی عام است، برای آغاز تا انتهای آفرینش بشر. داستان آدم علیه السلام به عنوان اولین خلیفه و سایر کسانی که در قرآن از خلافت آنان سخن رفته است، نمونه و نشانه‌ای برای خلافت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و صالحان در پایان تاریخ است. مقام خلافت، بشارت به آمدن او؛ بهره‌مندی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاوران به عنوان خلفای الهی از علم الاسما، اطاعت و تسلیم فرشتگان برای آنان؛ سکونت آنان در بهشت زمین؛ با نگاه به داستان آدم از منظر آیت، دریافت می‌شود.

حضرت نوح علیه السلام

داستان نوح علیه السلام به عنوان اولین پیامبر اولوالعزم، همچنین داستان هود علیه السلام و صالح علیه السلام به عنوان پیامبران تابع شریعت نوح علیه السلام نشانه‌ها و شباهت‌هایی با امام مهدی علیه السلام و دوران ایشان دارد:

عمر طولانی؛ مأموریت جهانی؛ ابتلای قوم و تأخیر در تحقق وعده عذاب کافران و نجات مؤمنان؛ نابودی کافران قوم در دنیا و نجات صالحان و ورود آنان با برکت و سلامت در دنیا؛ نمونه‌هایی از این شباهت‌هاست.

حضرت ابراهیم علیه السلام

داستان ابراهیم علیه السلام و هادیان پیرو شریعت او، چون یوسف نبی علیه السلام و ذوالقرنین، نیز نشانه‌ها و نمونه‌هایی برای امام مهدی علیه السلام در خود دارد. پنهانی ولادت، عمر طولانی؛ بشارت و وعده آمدن او؛ بشارت به تمکین و غلبه؛ غیبت؛ اجرای وظایف الهی در دوران غیبت؛ وظایف منتظران در دوران غیبت؛ عذاب کافران و نجات مؤمنان و ورود به سرزمین پربرکت، از جمله این نمونه‌هاست.

حضرت موسی علیه السلام

داستان حضرت موسی علیه السلام نیز حاوی نمونه و نشانه‌های مهدوی است. پنهانی ولادت؛ غیبت‌های دوگانه؛ عامل غیبت؛ ارتباط با شبکه الهی در دوران غیبت؛ ابتلائات و جدایی نیکان از بدان؛ عذاب فرعونیان؛ تأخیر عذاب بنی اسرائیل پس از فرعون و نجات مستضعفان وارث زمین؛ از این نشانه‌هاست که شبیه آن درباره امام مهدی علیه السلام و دوران ایشان جریان دارد.

حضرت عیسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام

عیسی عَلَيْهِ السَّلَام که بنابر روایات فریقین در زمان ظهور امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام از آسمان نزول نموده، امام را یاری می‌کند؛ در دوران حیات و رسالت خود در زمین با امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام شباهت‌هایی دارد؛ شباهت‌هایی چون اختلاف امت درباره ولادت و وفات او غیبت او که همان رفعت به آسمان است و با وجود تفاوت، با غیبت امام نیز شباهت‌هایی دارد. رجعت اصحاب کهف که از پیروان آیین او بودند، نیز به رجعت یاوران امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام شبیه است.

سه. یادکرد امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام ضمن بیان پدیده‌هایی در طبیعت

در برخی آیات، برای تبیین حقایق مهدوی از پدیده‌هایی در عالم طبیعت استفاده شده و در روایات شیعه تاویل آن بیان شده است که به مواردی اشاره می‌شود:

* روز، نشانه و آیه‌ای است برای امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام

در روایات شیعه، در تبیین آیات ابتدایی سوره شمس؛ «النهار» تشبیه و تاویلی برای دوران امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام معرفی شده است.

* آب روان، نشانه‌ای از علم امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام

و فرورفتن آب روان، مثالی از غیبت ایشان

در روایات ذیل آیه سی ملک آمده است: «اگر امام خود را نیافتید و ندیدید چه می‌کنید؟» یا این که منظور از «آب»، امامان و دروازه‌های میان خدا و خلق اویند. چه کسی می‌تواند علم امام و اخبار آسمان و زمین و حلال و حرام را برای شما بیاورد. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در حدیث عمار، آخر الزمان را توصیف کرده و با استشهاد به این آیه از غیبت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام سخن می‌گویند. به راستی عصر غیبت عصر خشکسالی است و جان بشر تشنه علم امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است و بی‌بهرگان از علم او، از حیات حقیقی بی‌بهره‌اند.

* باران، نشانه‌ای از حیات بخشی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام به مردمان زمین

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر آیه ۱۷ سوره حدید فرمود: «خدای تعالی زمین را به واسطه قائم زنده می‌کند، از آن پس که مرده باشد و مقصود از مردن آن، کفر اهل آن است و کافر همان مرده است.»

* طلوع فجر، نشانه‌ای برای ظهور امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام

بنابر روایات ذیل آیات ابتدایی سوره فجر، ظهور امام قائم عَلَيْهِ السَّلَام چون طلوع فجر است که سیاهی دولت ابلیس را می‌برد و روز دولت حق را نوید می‌دهد؛ زیرا به گفته امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام دنیا از زمان خلقت آدم محل نزاع دولت ابلیس و دولت الله است و تنها با ظهور امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام دولت الله پیروز گشته و بیکه و بی‌رقیب در دنیا حکومت می‌کند و ملک و پادشاهی الهی ظاهر می‌شود.

* ستارگان پنهان شونده،

نشانه‌ای از امام غایب

«الْجَوَارِ الْكُنُوسِ»، ستارگانی هستند که در پاره‌ای از زمان پنهانند و آن‌گاه چون شهابی درخشان در شب ظاهر می‌شوند؛ مانند امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام که پس از دوران پنهانی و غیبت، برای اهل زمین آشکار می‌شوند.



برای مطالعه بیشتر و دریافت منابع کد زیر را اسکن کنید.



اصلاح جهان بدست فرزند علی

الحججه العظمیٰ الرضا علیه السلام



راز غیبت از دیدگاه امیرالمؤمنین علیؑ

روزی به حضور علیؑ رسیدم؛ آن حضرت را غرق در اندیشه دیدم، عرض کردم: یا امیرالمؤمنین مگر اتفاقی افتاده است که این گونه نگران و غرق در دریای تفکر به نظر می‌رسید؟ امام در پاسخ فرمودند: «درباره فرزندی که بعدها از نسل من به دنیا خواهد آمد فکر می‌کنم، او یازدهمین فرزند من است، او مهدی ما اهل بیت علیؑ است که زمین را پس از پرگشتن از ظلم و ستم با عدل و داد پر خواهد ساخت؛ اما پیش از آن برای او یک دوره غیبت است که عده زیادی از مردم در این دوره، از حق و صراط مستقیم منحرف می‌شوند.»

بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۹، ح ۱۹

در گام بعدی علیؑ به طولانی بودن دوره غیبت امام عصرؑ و مشکلات و گرفتاری‌های آن پرداخته و می‌فرمایند:

امام علیؑ مسئله غیبت حضرت مهدیؑ را با زمینه سازی حساب شده و منسجمی در چند مرحله مطرح می‌کنند و کاملاً روشن است که این کار به صورت تصادفی انجام نگرفته است؛ بلکه با توجه به ظرفیت و کشش فکری افراد و شیوه‌های صحیح آموزشی و همین‌طور با در نظر گرفتن سیر طبیعی و خارجی وقایعی که در آینده پیش خواهد آمد، به تبیین امور پرداخته‌اند. در یک مرحله پس از تصریح به ضرورت وجود حجت الهی بر روی زمین و بلکه کل نظام عالم هستی می‌فرمایند:

«هرگز زمین از حجت الهی که با دلیل و برهان برای حاکمیت بخشیدن به احکام و ارزش‌های دینی قیام می‌نماید، خالی نخواهد بود و حجت خداوند یا به صورت شناخته شده و آشکار یا به طور پنهان و ناشناخته به سر می‌برد.»

حکمت ۱۳، ص ۱۱۵۸

در روایت دیگری، امام علیؑ پس از اشاره به ضرورت وجود امام معصوم بر روی زمین تبیین می‌کنند که حجت خدا، گاهی به صورت علنی، در میان مردم حضور دارد؛ اما زمام امور را به جهت فراهم نبودن شرایط در دست ندارد. گاهی نیز حجت الهی از دیده مردم غایب است. در چنین مواقعی آنها در انتظار حجج الهی به سر می‌برند. توجه به این نکته ضروری است که «در دوران غیبت، گرچه جسم امام به علت وجود خطرات یا مصالح دیگری از دیده مردم پنهان است؛ ولی دانش او برای مردم مخفی نیست (همه از آن اطلاع دارند) و آداب و احکام و تعالیمش در قلب و جان انسان‌های مؤمن استوار و پابرجاست و مردم بر اساس تعالیم و رهنمودهای او زندگی می‌کنند.»

در مرحله بعد، امیرالمؤمنین علیؑ ضمن معرفی آخرین حجت الهی، اصل مسئله غیبت آن حضرت را بیان می‌کنند. از اصبع بن نباتة نقل شده است که می‌گوید:

«در دوره غیبت امام غایب، مردم از حدود و چارچوب احکام شرع خارج خواهند شد و بسیاری از آنها گمان خواهند کرد که حجت الهی از دنیا رفته و امامت پایان پذیرفته است؛ ولی سوگند به خدا در چنین دوره ای حجت خدا در بین مردم و در کوچه و بازار آنها در حال رفت و آمد خواهد بود و وی حرف های مردم را خواهد شنید... او مردم را خواهد دید؛ ولی آنها تا زمان معینی که خداوند مقرر کرده است قادر به دیدن آن حضرت نخواهند بود.» همان، ج ۲۸، ص ۷۰

علل و حکمت های غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

در مجموعه روایت هایی که از حضرت علی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده است، به برخی از حکمت های غیبت اشاره شده است که از جمله آنهاست:

..... در امان ماندن از بیعت با ستمگران.....

طبق یک روایت، علی بن ابی طالب عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

«موقعی که قائم [حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف]، قیام کند بیعت کسی در گردن (ذمه) او نخواهد بود و به همین جهت است که تولد او به صورت مخفی صورت خواهد گرفت و بعد نیز وجود مبارکش از غایب خواهد شد.» همان، ص ۱۱۹ و ۱۱۰، ج ۱

..... مشخص شدن گمراهان.....

یکی از راه های تشخیص قوت ایمان و پایبندی افراد به تعالیم اولیای الهی، عملکرد آنها در دوره غیبت رهبران الهی است؛ امام علی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایتی پس از اشاره به وجود مبارک امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اضافه می کنند: «آن حضرت از چشم مردم نهان خواهد شد تا مردمان گمراه از غیر گمراهان مشخص شوند.» همان، ص ۱۱۲، ج ۲

..... ستم و ظلم مردم به خودشان.....

امام علی عجل الله تعالی فرجه الشریف آنجا که از لزوم وجود حجت الهی در نظام هستی سخن می گویند، به مسئله غیبت حجت الهی و علت آن با این تعبیر اشاره دارند: «ای مردم! بدانید که زمین هرگز از حجت الهی خالی نمی ماند؛ اما پروردگار عالم مردم را به خاطر ظلم و ستمی که مرتکب می شوند و همین طور به جهت زیاده روی هایی که در حق خود انجام می دهند، به زودی از دیدن حجت خودش [امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] محروم خواهد ساخت.» همان، ص ۱۱۳ و ۱۱۲، ج ۸

..... به جهت ستم به فرزندان علی عجل الله تعالی فرجه الشریف.....

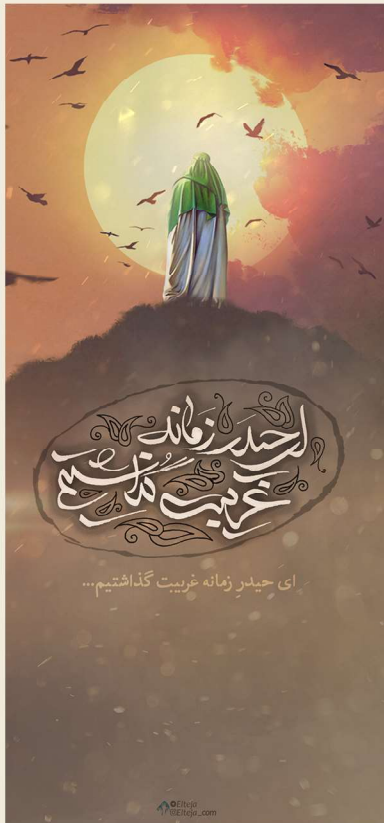
امام علی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در روایتی به مناسبتی از وقایع غیبت و پیشامدهای آن سخن می گویند و وقایع مربوط به آن دوران را به حوادثی که برای قوم حضرت موسی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ داده است، تشبیه کرده و تصریح می کنند: سرگردانی مسلمانان در زمان غیبت حضرت چندین برابر سخت تر و بیشتر از دوران سرگردانی قوم حضرت موسی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. آنگاه در اشاره به علت این پیشامد می فرمایند: «شما به خاطر ظلم و ستم هایی که بر فرزندان من خواهید کرد به این مسئله و سختی های آن دچار خواهید شد.»، بشارت الاسلام، ص ۶۳

..... حفظ علامت های هدایت.....

امام علی بن ابی طالب عجل الله تعالی فرجه الشریف، در این باره می فرماید:

«... خداوند حجت های خود را به صورت آشکار یا پنهان یا حتی در حالی که خطر آنان را تهدید می کند (در حال ترس و نگرانی)، در میان مردم حفظ خواهد کرد تا حجت و دلیل های روشن و واضح (هدایت و رستگاری) از بین نروند.»

نهج البلاغه، حکمت ۱۳۹، ص ۱۱۵۸



آثار و نتایج غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

در لابه لای مجموعه رهنمودهای حضرت علی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به برخی از گرفتاری ها و معضلات مهم دوره غیبت اشاره شده است که در اینجا چند مورد از آنها به عنوان نمونه ذکر می شود:

..... سرگردان شدن مردم
امام علی عجل الله تعالی فرجه الشریف در چندین روایت به این گرفتاری اشاره دارند. در یک مورد می فرمایند:

«فتنه ها و مشکلات گوناگونی در این دوره به وجود خواهد آمد، به عنوان مثال دشمنان شیعیان از آنها بدگویی کرده، افراد فاسق و شرور به شرارت و گمراه سازی مردم از مسیر صحیح خواهند پرداخت و اوضاع به اندازه ای آشفته و پریشان خواهد شد که بعضی از مردم، دچار حیرت و سرگردانی خواهند شد.»

بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۷۰

به عبارت دیگر مردم از تشخیص راه درست عاجز خواهند بود. بدیهی است که وقتی امکان تشخیص راه صحیح مشکل بشود، اغلب مردم خود به خود یا در اثر تبلیغات گوناگون دشمنان و بدخواهان به مسیرهای انحرافی سوق داده می شوند.

..... مشکل شدن دینداری
به دلالت روایت های فراوان، یکی از گرفتاری های دوران غیبت آن است که پایبندی به ارزش های دینی بسیار کم خواهد شد. امام علی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایتی می فرمایند:

«سوگند به خدایی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به حق برای پیامبری برگزیده و او را به همه مخلوقات فضیلت و برتری داده است. مسئله ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع نخواهد شد؛ مگر پس از یک دوران سخت حیرانی و سرگردانی که در آن شرایط کسی جز افراد خالص و پاکیزه که یقین را با تمام وجود خود لمس کرده باشند، در پایبندی به دین استوار و پابرجا نخواهند ماند. پروردگار عالم از چنین کسانی که با وجود آن همه نابسامانی ها، در دین ثابت قدم اند، برای ولایت ما پیمان گرفته و در دل های آنها ایمان را تثبیت کرده است و با عنایات خاصی که به آنها دارد، مورد تأییدشان قرار داده است.»

کمال الدین، و تمام النعمه، ص ۳۰۴

...تردید در وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از وقایع بسیار تلخ عصر غیبت آن است که در نتیجه نابه سامانی ها و بی عدالتی، مردم آن چنان دچار یأس خواهند شد که در اینکه امام معصومی در چنین شرایطی در روی زمین باشد، شک خواهند کرد.

حضرت علی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به این مسئله این گونه اشاره می نمایند:

«زمانی که امام غایب از فرزندان من در پس پرده غیبت قرار گیرند اکثر مردم دچار این توهم خواهند شد که حجت خدا از بین رفته و امامت به پایان رسیده؛ اما سوگند به خدایی که علی را آفریده است، در چنین روزی حجت خدا در

میان آنها حضور دارد.» الغیبه، ص ۷۲

علاوه بر موارد مذکور آثار دیگری نیز برای غیبت امام عصر، ذکر شده که در اینجا فقط به ذکر عناوین آنها اکتفا می گردد.

مردم از یکدیگر در این دوره، برائت خواهند جست. بحار، ج ۵۱، ص ۱۱۱، ح ۵.

مردم بی پناه خواهند شد و جای امنی پیدا نخواهند کرد. الغیبه، ص ۲۹۱ و ۲۹۲
مردم به نزاع با یکدیگر و آب دهان انداختن به صورت همدیگر خواهند پرداخت (کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۷۸)

و ...

از آفتاب بینه تا زینت ابرو

غیبت کبرا و نیابت عام

قسمت سوم

حجت الاسلام خدامراد سلیمیان

ولی فقیه

در اصطلاح، «ولی فقیه» کسی است که عالم به سیاست‌های دینی و برقرار کننده عدالت اجتماعی میان مردم باشد. طبق اخبار، او دژ اسلام و وارث پیامبران و جانشین پیامبر خدا ﷺ و همچون پیامبران بنی اسرائیل بوده، بهترین خلق خدا پس از امامان است. مجاری امور، احکام و دستورها، به دست او بوده و حاکم بر زمامداران است. [ر.ک: رسائل، امام خمینی، ۱، ج ۲، ص ۹۴-۱۰۲]

مسئله «ولایت فقیه» ریشه کلامی دارد؛ ولی جنبه فقهی آن سبب شده است فقیهان از روز نخست، در ابواب گوناگون فقهی از آن بحث کنند و موضوع «ولایت فقیه» را در هر یک از مسایل مربوط روشن سازند. در باب جهاد، تقسیم غنائم، خمس، گرفتن و توزیع زکات، سرپرستی انفال و نیز اموال غایبان و قاصران و باب امر به معروف و نهی از منکر، باب حدود و قصاص، و تعزیرات و مطلق اجرای احکام انتظامی اسلام، فقها از مسئله «ولایت فقیه» و گستره آن بحث کرده‌اند. [ولایت فقیه، محمد مهدی معرفت، مقدمه.]

اقسام ولایت

در یک تقسیم بندی کلی، دو نوع ولایت تصور می شود:

قسم نخست: ولایت، از نوع سرپرستی و اداره امور مؤمنان؛ همان ولایتی که با نصب خداوند، رسول اکرم ﷺ و امامان معصومین و در عصر غیبت، فقیه عادل از آن برخوردارند. قسم دوم: ولایت، ناظر به تصدی امور کسانی است که به سبب کوتاهی در فهم و شعور یا ناتوانی عملی از انجام کارهای خویش و یا عدم حضور، نمی توانند حق خود را به طور کامل به دست آورند و لازم است که ولی از طرف آنان و به صلاح دید خودش به سرپرستی و اداره امور این افراد اقدام کند. ولایت پدر و جد پدری بر فرزندان صغیر و یا ولایت بر سفیه و مجنون، ولایت اولیای مقتول و ولایت میّت، نمونه هایی از این قسم ولایت است.

[حکومت اسلامی، احمد واعظی، ص ۱۱۸]

غفلت از تفاوت اساسی میان این دو قسم ولایت و یکسان پنداشتن آن دو، منشأ خطایی شده است که برخی مخالفان ولایت فقیه بدان دچار شده و پنداشته اند ولایت فقیه، از سنخ ولایت بر محجوران و قاصران است و معنای ولایت فقیه، آن است که مردم همچون مجانین و کودکان و سفیهان، محجور و نیازمند قیّمند، و ولی فقیه، قیّم مردم است؛ پس ولایت فقیه، مستلزم نوعی تحقیر و اهانت به مردم و رشد آنان است.

[همان، ص ۱۱۹]

اساساً اضافه شدن ولایت به وصف عنوانی «فقیه» محدودیت آن را در چارچوب فقه می رساند. در واقع، فقه اوست که حکومت می کند، نه شخص او؛ پس هیچ گونه قاهریت و حاکمیت اراده شخصی در کار نیست.



از همین جا، مسئولیت مقام رهبری در اسلام، در پیشگاه خدا و مردم روشن می شود. او در پیشگاه خدا مسئول است تا احکام را کاملاً اجرا نماید و مقابل مردم مسئول است، تا مصالح همگانی را به بهترین شکل ممکن تأمین نماید و عدالت اجتماعی را در تمام زمینه ها و به صورت گسترده و بدون تبعیض اجرا کند و هرگز در این مسئولیت کوتاه نیاید. [ولایت فقیه، محمدحادی معرفت، ص ۱۰ و ۱۱] اینجا است که بحث حکومت اسلامی به رهبری فقیه عادل پیش می آید.

..... ادله ولایت فقیه

ادله نقلی: با آغاز «غیبت کبرا» هدایت شیعیان با عنوان «نیابت عام» از طرف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل گرفت؛ به این صورت که امام، ضابطه ای کلی و صفات و مشخصاتی عام به دست داد که در هر عصر، فرد شاخصی که آن ضابطه از هر جهت و در همه ابعاد بر او صدق کند، نایب امام شناخته شود. در این باره روایاتی چند نقل شده است؛ از جمله:

یک. اسحاق بن یعقوب، درباره تکلیف شیعیان در غیبت کبرا از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسید و توقیع ذیل در پاسخ او صادر گردید:

«... و اما در پیشامدهایی که [برای شما] رخ می دهد، باید به روایان اخبار ما (دانشمندان علوم دینی) رجوع کنید؛ ایشان حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدای بر آنانم [کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۳، باب ۴۵، ح ۴]»
دو. امام عسکری علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل کرده است که فرمود:

«اگر نبود دانشمندانی که پس از غیبت قائم شما، به سوی او دعوت می کنند و به سوی او رهنمون می شوند و با دلایل الهی از دین او دفاع می کنند و بندگان ناتوان خدا را از دامهای شیطان و مریدهای شیطانی و از دام های دشمنان ائمه نجات می دهند، احدی باقی نمی ماند، جز اینکه از دین خدا مرتد می شد؛ ولی این دانشمندان، زمام دل ضعفاً شیعه را به دست می گیرند؛ همان گونه که ناخدا، زمام کشتی را به دست می گیرد [و سرنشین های کشتی را از خطر مرگ حفظ می کند]. اینها نزد خدای تبارک و تعالی برترین هستند.» [الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۱۸]

سه. امام حسن عسکری علیه السلام درباره فقیهان راستین، ویژگی های آنها و مسئولیت جامعه در برابر آنها، فرموده است:
«... و اما هر یک از فقیهان که بر نفس خود مسلط باشند و دین خود را حفظ کنند و با هوای نفس خود مخالفت ورزند و امر خدا را اطاعت کنند، بر همگان واجب است از او تقلید نمایند.» [وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۱، ح ۳۳۴]

به راستی همین نایبان عام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند که در طول غیبت کبرا، دین مقدس اسلام را از انحراف حفظ نموده، مسائل مورد نیاز را برای مسلمانان بیان کرده اند و دل های شیعیان را بر اساس باورهای درست، استوار ساخته اند. موفقیت های شیعه، با مجاهدت و تلاش خستگی ناپذیر و رهبری محدثان و فقیهان شیعه از اواخر غیبت صغرا تا به امروز بوده و حیات و شادابی و پویایی تشیع را تضمین نموده است.

ادله عقلی: همان گونه که پیش از این یاد شد، در عصر غیبت، دسترسی به پیشوای معصوم علیه السلام امکان پذیر نیست و تشکیل حکومت هم ضروری است؛ بنابراین باید فردی ولایت و حکومت را بر عهده بگیرد؛ بدین منظور، سه راه پیش روداریم: یا اینکه «ولایت غیر فقیه» را بپذیریم، یا «ولایت فقیه غیر عادل» را یا «ولایت فقیه عادل» را.

عقل هر انسان حکم می کند «غیر فقیه» و «غیر فقیه غیر عادل» شایسته ولایت و حکومت نیست؛ چرا که اینجاست که حکومت اسلامی مورد بحث است و برای پیاده کردن حکومت اسلامی و اجرای احکام دین، باید فردی زمام این امر را به عهده گیرد که به احکام اسلامی به طور ژرف و اساسی آشنا بوده و شیوه اداره حکومت را هم بداند و در عین حال، پرهیزگار و متعهد باشد، تا امر حکومت را فدای خواسته های نفسانی خود نکند. بنابراین فقیه‌ای که به احکام اسلامی و اوضاع سیاسی اجتماعی زمان خود آگاه بوده و از تقوا، عدالت، تدبیر، مدیریت و کمالات لازم برخوردار باشد، برای حکومت شایسته تر از دیگران است.

سرکار خانم سمرالسادات جوشقانی

ریش بعد از رویش

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه - از جمله، خطبه ششقیه - حضور افراد سست عنصر را که برای بیعت کردن با حضرت آمده بودند، چنین توصیف می‌کند:

«روز بیعت، فراوانی مردم، از هر طرف مرا احاطه کرد؛ تا آن که نزدیک بود حسن و حسین علیهما السلام لگدمال شوند و ردای من از دو طرف پاره شود. مردم چون گله‌های انبوه گوسفند، مرا در میان گرفتند؛ اما آنگاه که به پاخاستم و حکومت را به دست گرفتم، جمعی پیمان شکستند و گروهی از اطاعت من سرباز زده و از دین خارج شدند و برخی از اطاعت حق سر بر تافتند. گویا نشنیده بودند سخن خدا را که می‌فرماید:

«سرای آخرت را برای کسانی برگزیدیم که خواهان سرکشی و فساد در زمین نباشند و آینده از آن پرهیزکاران است». آری! به خدا، آن را خوب شنیده و حفظ کرده بودند؛ اما دنیا در دیده آن‌ها زیبا نمود و زیور آن، چشم‌هایشان را خیره کرد.»

نهج البلاغه، خطبه ششقیه

هر ساختمان یا بنایی که ساخته می‌شود نیاز به ستونی محکم دارد تا از ویران شدن آن جلوگیری کند؛ حال، هرچه بنا بلندتر و عظیم‌تر باشد، ستون‌های استوارتر و مستحکم‌تری نیاز خواهد داشت.

هر جنبش و انقلابی که صورت می‌گیرد نیز، نیاز به استوانه‌هایی دارد که همانا، یاوران آن قیام هستند. استواری و ثبات قدم انصار و یاران یک انقلاب، در پابرجا ماندن آن، نقش به‌سزایی دارد؛ چنانچه در آیات نورانی قرآن، ادعیه و زیارات نیز، بر ثبات قدم و استقامت در راه حق، تأکید بسیاری شده است. برای مثال، خداوند در آیه ۱۶ سوره مبارکه جن، می‌فرماید:

«وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَي الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً عَذْقًا؛

اگر پایداری کنند به آب فراوان سیرابشان می‌کنیم.»

هم‌چنین در سوره مبارکه فصلت آمده است:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا

تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛

بر آنان که گفتند پروردگار ما خدای یکتاست و بر آن پای فشردند، فرشتگان نازل می‌شوند که نترسید و غمگین مباشید. شما را به بهشتی که وعده شده است بشارت باد.»

لذا انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، علاوه بر آن که از یک رهبری ویژه برخوردار است، دارای یاران ویژه‌ای هم هست که مهم‌ترین امتیاز آن‌ها یک دلی و ثبات قدم می‌باشد.

این خصلت به قدری با اهمیت می‌باشد که عدم وجود آن، باعث لغزش بسیاری از افراد شده است؛ از جمله، طلحه و زبیر که سردسته و اولین نفرات بیعت‌کننده با امام زمان خود بودند؛ ولی وقتی اوضاع را بر وفق مراد خود ندیدند، از صراط حق لغزیدند و به دنبال خط باطل رفتند تا جایی که در مقابل حق، جبهه گرفتند و در امتحان الهی سرافکنده گشتند.

در زمان ظهور نیز، چه بسا افرادی که دچار تزلزل شده و از گرد امام پراکنده می‌شوند. لذا حال که در زمان غیبت یوسف زهراء علیها السلام به سر می‌بریم، جا دارد ذکر لب‌هایمان همیشه این آیه مبارکه باشد که: «پروردگارا به ما تاب و توان ببخش و گام‌های ما را استوار گردان و بر کافران پیروزمان بدار» (بقره، ۲۵۰) و نیز از خدا بخواهیم مادامی که زنده‌ایم، ما را در ولایت و دوستی دین و آیین ائمه و امام زمانمان علیهم السلام ثابت بدارد. (فرازی از زیارت جامعه کبیره)

آری! رسم روزگار چنین است که در همهٔ زمان‌ها و موقعیت‌ها، انسان‌ها امتحان و آزمایش شوند تا افراد خوب از بد، مشخص شوند و افراد راستین، باقی بمانند. حتی در زمان حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه، بسیاری از افراد - که دم از عشق به ولایت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌زنند - مانند زنبوران عسل که در اطراف کندو جمع می‌شوند، گرد امام می‌آیند؛ اما آیا همه آن‌ها تا انتها باقی می‌مانند؟! در موقع توزیع بیت‌المال و تقسیم پست‌های حساس و عزل و نصب‌هایی که بر اساس عدل الهی است، افراد از یکدیگر متمایز خواهند شد. پای شهوات که به میان می‌آید، افراد منافق با ایمان وداع کرده و به دنبال منافع خود می‌روند.

چنانچه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم خروج می‌کند کسی که به نظر خویش از اهل این کار (ولایت) بود، از این کار بیرون می‌رود و کسی که همانند پرستندگان آفتاب و ماه است در این کار داخل می‌شود».

لغزش‌ها و به طور کلی، «ریزش بعد از رویش» به عواملی بستگی دارد؛ از جمله:

یک. جاه‌طلبی و حرص رسیدن به پست و مقام

گروهی از افراد، نه به خاطر رضایت خداوند و امام زمان علیه السلام خود، بلکه به خاطر بدست آوردن پست و مقام، بسیار تلاش می‌کنند؛ ولی وقتی اوضاع را باب میل خود نمی‌یابند، دست از یاری برداشته و دنبال رو حزب و گروهی دیگر می‌شوند. از جمله، طلحه و زبیر، که به طمع فرمانروایی بصره و کوفه با امام بیعت کردند، اما زمانی که امام، تقاضای آن‌ها را رد کرد، مخفیانه به مکه رفته و با استفاده از بیت‌المال غارت شده توسط امویان، سپاهی تشکیل داده، رهسپار بصره شدند و آن‌جا را تصرف کردند و در نهایت، جنگ جمل را به راه انداختند.

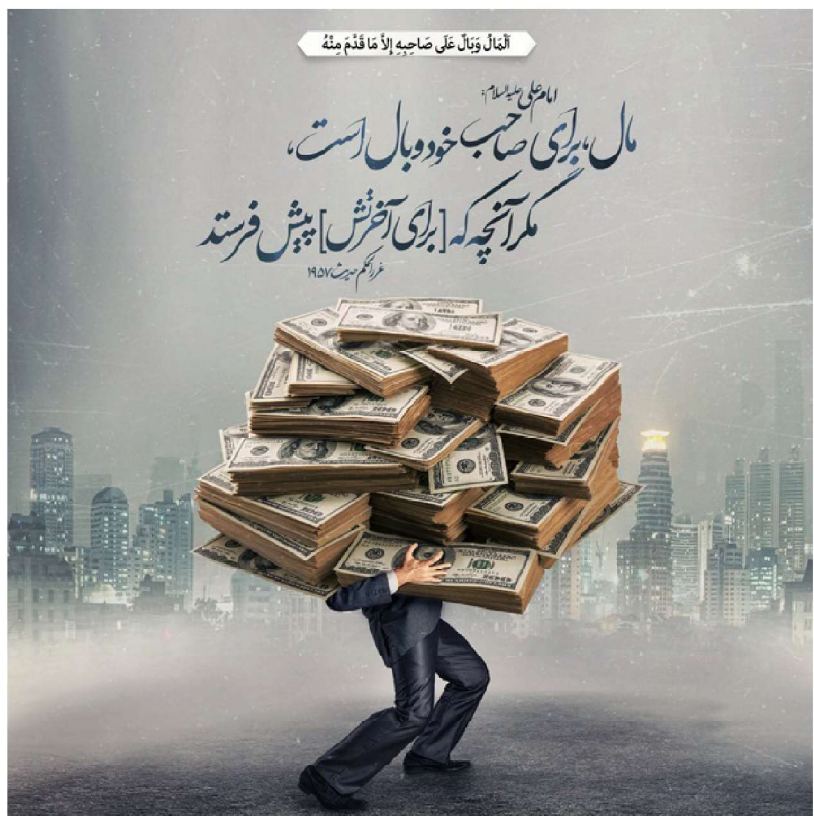
عمر سعد - لعنه الله - نیز، مصداق دیگر این خصلت است که به خاطر رسیدن به مُلک ری، شقاوت، بر قلب او چیره گشت و به شهادت رساندن فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله را با آغوش باز پذیرفت.

دو. بدست آوردن ثروت

برخی دیگر از افراد، به طمع مال و منال دنیا، دست از یاری امام زمان علیه السلام خود بر می‌دارند. زرق و برق دنیا، آن چنان چشمان آن‌ها را کور می‌کند که به چیزی جز مادیات، فکر نمی‌کنند. مانند مردم پیمان شکن کوفه که به طمع بدست آوردن کیسه‌های زر و زیور و دینار، یاری باطل را برحق ترجیح دادند.

سه. ترس از جان:

یکی دیگر از آفت‌هایی که باعث لغزش و گذشتن از حق می‌شود، ترس از کشته شدن است. چنین کسانی نمی‌دانند که کشته شدن در راه خدا، فوز عظیمی است که هر کس قابلیت آن را نخواهد داشت. مردم کوفه، حدود ۱۸ هزار نامه به سوی امام حسین علیه السلام فرستادند و از ایشان دعوت کردند که به سوی آن‌ها بیاید؛ ولی پس از آن که امام به سوی آنان حرکت کرد، عبیدالله - لعنه الله - خبردار شد و مردم را به مرگ تهدید کرد. کوفیان نیز به جهت در امان ماندن از دست دشمن، نه تنها دست از یاری امام برداشتند، بلکه سفیر امام را نیز یگه و تنها، رها کردند.



چهار. عافیت طلبی:

راحت طلبی و سست عنصری، آفت دیگری است که دشمن، از آن، به نفع خود استفاده می‌کند؛ چراکه می‌داند برخی از مردم، تن به خواری و ذلت می‌دهند ولی حاضر نیستند قدمی در راه امام زمان خود بردارند. چنانچه حضرت علی علیه السلام در نکوهش کوفیان در نافرمانی و سستی آن‌ها، می‌فرمایند: «اگر در تابستان، فرمان حرکت به سوی دشمن بدهم، می‌گویید «هوا گرم است؛ مهلت ده تا سوز گرما بگذرد» و آنگاه که در زمستان، فرمان جنگ می‌دهم، می‌گویید «هوا سرد است؛ بگذار، سرما برود». شما که از گرما و سرما فرار می‌کنید، بخدا سوگند، از شمشیر بیشتر گریزانید!» حتی سست عنصری کوفیان به جایی رسیده بود که امام، مظلومانه می‌فرمودند: «چقدر دوست داشتم شما را هرگز نمی‌دیدم و هرگز نمی‌شناختم که جز پیشمانی، حاصلی نداشت». خطبه ۲۷، نهج البلاغه

در غزوه تبوک نیز بسیاری از افراد، به بهانه‌های مختلف از رفتن به جنگ منصرف شدند و خداوند در سوره توبه، آیاتی در مذمت این افراد نازل کرد.

پنج. جهل و نادانی:

بدترین دردی که ممکن است دامن‌گیر انسان‌ها شود، جهالت و نادانی است؛ چراکه خود این عامل، می‌تواند زمینه‌ساز عوامل فوق هم باشد. چونان جهل و نادانی خوارج در جریان حکمیت که فریب نیرنگ عمرو عاص و سپاه شکست خورده معاویه را خوردند. در آن ماجرا، سپاه معاویه - به جبران شکست و ترس از جان خود در برابر پیروزی سپاه حق - قرآن‌ها را بر سر نیزه کردند و خوارج که این صحنه را دیدند با این بهانه که ما با قرآن نمی‌جنگیم، دست از جنگیدن و یاری کردن امام زمان خود برداشتند و کار را به جایی رساندند که حضرت را وادار به پذیرش حکمیت کردند و بدین وسیله، فرمان امام خود، مبنی بر ادامه جنگ با دشمن نیرنگ باز را زیر پا گذاشتند. آیا امام علی علیه السلام - که خود، قرآن ناطق است - به مسائل، آگاه تر است یا گروهی متعصب که از قرآن چیزی جز تلاوتش نمی‌دانند؟! در روایات آمده است که در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز عده‌ای قرآن به دست، از مساجد، علیه امام زمان خود قیام می‌کنند. العیبه نعمانی، باب ۱۷، ج ۳، ص ۳۰۸

جهل تا چه حد که با قرآن صامت، به جنگ علیه قرآن ناطق می‌روند! نظیر وهابیون که برای سخنان واهی و بی منطق خود قرآن را بهانه می‌کنند.

از آن جا که رسیدن به هدف نهایی و درک حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سعی و تلاش فراوان نیاز دارد، ثبات قدم و استواری، مهم‌ترین توشه این راه است؛ چراکه اگر انسان، دچار لغزش و بی‌اعتمادی باشد، نمی‌تواند از آن امتحان الهی سربلند بیرون آید و مرتکب انحرافات می‌شود. لذا در سجده زیارت عاشورا، بعد از شکر و حمد خدا، از او می‌خواهیم: «مرا نزد خود با امام حسین علیه السلام و اصحابش، ثابت قدم بدار».

زیارت عاشورا
« وثبت لی قدم صلیق عندک
مع الحسین و اصحاب الحسین ... »



نقش خاتم

محمد مهدی حادی پور

نقائ کوتاه از احادیث امام مهدی علیه السلام

زمان ظهور

وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ وَكَذِبَ الْوَقَاتُونَ :
و اما امر ظهور و فرج (ما و شیعیان) به اراده ی خدای بزرگ وابسته است و تعیین کنندگان وقت [ظهور] دروغ می گویند (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴)

نکته ها:

- درباره وقت ظهور به سخن هیچ کس اعتماد نکنیم؛ چون کسی جز خداوند، زمان ظهور را نمی داند.
- گرچه وقت ظهور بر ما پنهان است ولی در دعای عهد فرمودند: «إِنَّهُمْ بَرُؤُنَهُ بَعِيدًا وَ تَرَاهُ قَرِيبًا: دشمنان ظهور را دور می پندارند و ما آن را نزدیک می دانیم» و این به معنای امید داشتن و کسب آمادگی برای ظهور است.



زمان ظهور

لزوم اطاعت از فقیهان در دوره غیبت

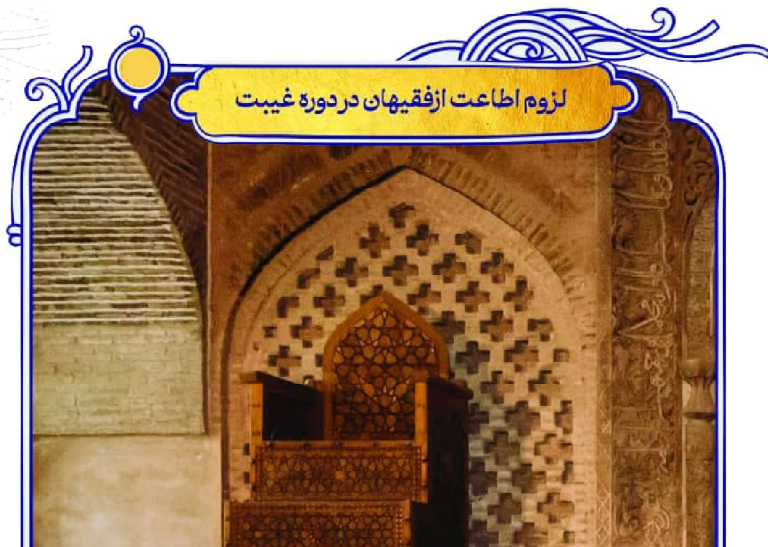
وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ:

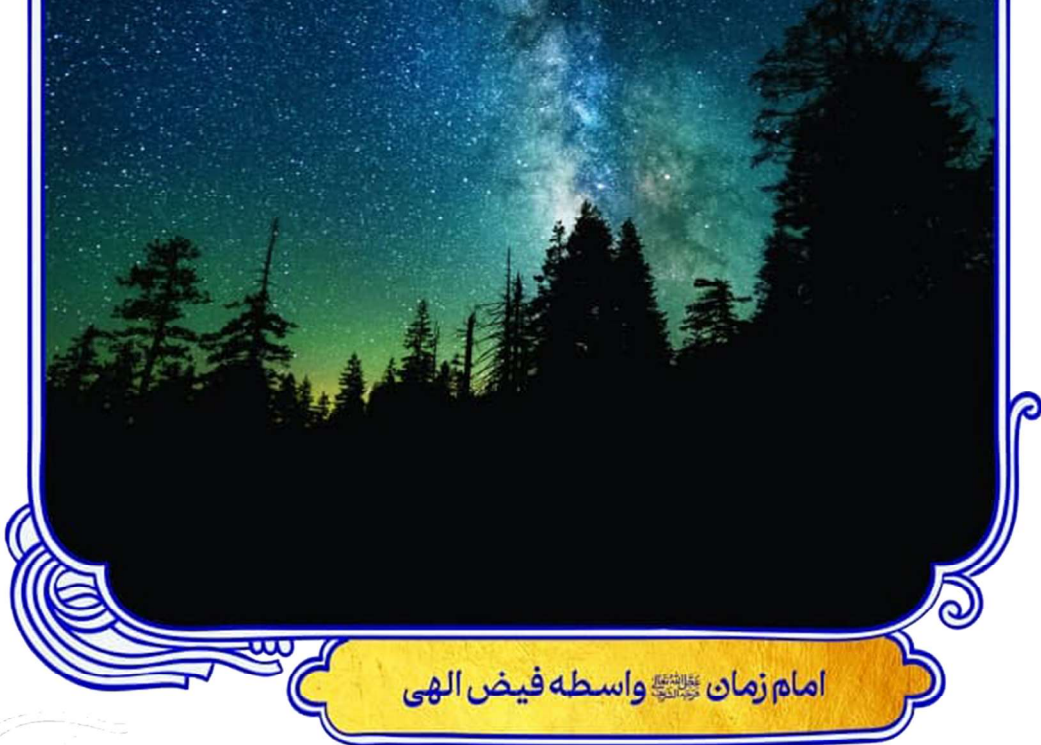
و اما در مسائل و حوادث جدید پس باید به راویان حدیث ما (عالمان و فقیهان) رجوع کنید که بر اوستی ایشان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان. (همان)

نکته ها:

- گرچه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف غایب است ولی در میان مردم نمایندگانی دارد که به فرموده او حجت بر مردم اند؛ بنابراین لازم است مؤمنان در تکالیف دینی به آنها رجوع کرده و از آنها اطاعت کنند.
- چنانکه در دوره غیبت صغری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف نواب خاص داشتند در دوره غیبت کبری نیز نواب عام دارند که مهمترین ویژگی آنها برابر فرموده امام، دین شناسی آنهاست.

لزوم اطاعت از فقیهان در دوره غیبت





امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف واسطه فیض الهی

توصیه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف به شیعیان

وَأَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرْجُكُمْ:

زیاد برای فرج دعا کنید که براستی همان موجب فرج شماست. (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵)

نکته ها:

- دعای برای تعجیل فرج خواسته مورد تأکید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف است و چه زیباست خواست امام را عملی کنیم.
- حتما دعای ما درباره تعجیل فرج، مؤثر است و گرنه نسبت به آن امر نمی فرمودند.
- یکی از اسباب نزدیک شدن فرج، دعا کردن است که خود این دعا می تواند عامل گشایش در کارهای ما باشد.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف واسطه فیض الهی

وَإِنِّي لِأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ التُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ:

و براستی که من موجب امنیت اهل زمین هستم چنان که ستارگان سبب امنیت اهل آسمانند (همان)

نکته ها:

- این که امام واسطه فیض الهی و سبب الطاف خداوندی است درمتون دینی، فراوان آمده است چنان که قرآن کریم درباره پیامبرگرمی خدا صلى الله عليه وآله فرموده: وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ... (سوره انفال ۳۳) چنین نیست که خداوند امت را عذاب کند در حالی که تو در میان آنها هستی.
- از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشريف سؤال شد که آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ فرمود: اگر زمین بدون امام بماند هرآینه اهل خود را فرو می برد. (کافی، ج ۱، ص ۱۷۹)

علت غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

وَأَمَّا عَلْتُهُ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ... إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاغِيَةِ زَمَانِهِ وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيَةِ فِي عُنُقِي:

و اما علت غیبتی که رخ داده ... به راستی که هیچ یک از اجداد من نبودند مگر اینکه بیعت طاغوت زمانشان به گردن ایشان قرار گرفته و من در زمانی که قیام می کنم بیعت هیچ طاغوتی بر گردنم نخواهد بود. (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵)

نکته ها:

- در روایات درباره علت غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف مواردی مانند حفظ جان امام، امتحان مردم و... بیان شده و اینجا در بیان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف «قرار نگرفتن در بیعت طاغوت ها» به عنوان «علت غیبت» آمده است.
- امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به عنوان منجی موعود و قله آمال و آرزوهای مستضعفان نباید تحت بیعت طاغوت ها قرار گیرد تا امید محرومان به ناامیدی نگراید.



یأس و ناامیدی از ظهور (علل و راه‌های برون‌رفت)

حجت الاسلام مسعود پورسید آقایی، استاد مرکز تخصصی مهدویت
حجت الاسلام علی بهبودی، فارغ التحصیل مرکز تخصصی مهدویت؛
بانذکی تلخیص.....(قسمت سوم)

در قسمت اول و دوم بیان شد که یکی از چالش‌های مهم عصر غیبت، یأس و ناامیدی از ظهور و فرج است و در آن به «ریشه‌ها» و «زمینه‌ها» و همچنین به «پیامدهای ناامیدی از ظهور» پرداخته شد. در این قسمت نیز به «راهکارهای پیشگیری و درمان ناامیدی از ظهور» خواهیم پرداخت.

راهکارهای پیشگیری و درمان

یک. استمداد از خدای متعال به وسیله ادعیه مأثور

انسان منتظر، در هر مشکل و چالشی باید قبل از هر راهکاری از پروردگار مهربان طلب یاری کند و در این دنیای پر از آشوب و فتنه‌ها، به معصومان علیهم‌السلام متوسل شود و از خود آنان ثبات در قدم، عقیده و مصونیت از هرگونه انحراف و در نهایت عاقبت بخیری را مسئلت کند. بنابراین، یکی از راهکارهای مهم و اساسی در پیشگیری و درمان هر چالشی، به ویژه چالش یأس و ناامیدی از امر ظهور، ادعیه مأثوری است که برخی از آن‌ها را بیان می‌کنیم:

الف) در دعایی که در عصر غیبت باید خواند، آمده: «... خداوند! تو خود به ذات خود آگاهی، بدون آن که کسی تو را آگاه کرده باشد، به زمانی که صلاح امر ولایت در آن است، تا به او اجازه فرمایی امرش را اظهار و سترش را آشکار کند. پس مرا بر امر غیبت او صبر عطا کن، تا آنچه تو تأخیرش را خواهی من تعجیلش را نخواهم و آنچه تو تعجیل آن را خواهی من تأخیرش را نطلبم و آنچه را تو مخفی می‌داری، افشای آن را نخواهم و آنچه را کتمان فرمودی، پی جوئی نکنم و هرگز در تدبیر امور عالم با تو نزاع و اعتراض نکنم. [در قضا و قدر تو چون و چرا نکنم] و نگوییم چه شده است که ولی امر ظاهر نمی‌شود و حال آن که زمین پر از فساد شده است، بلکه تمام امورم را به تو واگذارم...».

ب) در بخش دیگری از دعای عصر غیبت چنین می‌خوانیم: «... بارالها! ما را بر اطاعت او قوی و بر پیروی از او ثابتمان دار، و در حزب و یاورانش و رضایتمندان به رفتارشان قرارمان ده! در حیات و ممات آن را از ما سلب منما! تا آن که جانمان را با این ایمان بستانی، بدون هیچ شک و تردید و یاری گرداندن از آن حضرت و یا تکذیب آن بزرگوار...».

ج) در دعایی که برای امام زمان، از سوی امام رضا علیه‌السلام به شیعیان توصیه شده، آمده است:

«... خداوند!... و ما را بر اطاعت او قوی و بر دنباله روی وی ثابت بدار! به پیروی از او بر ما منت گذار و از حزب او فرمان ده؛ همان‌ها که به امر او قیام و در همراهی او صبر و در جلب رضایت تو برایش خیرخواهی می‌کنند تا در روز قیامت ما را در زمره تقویت‌کنندگان سلطنت او محشور فرمایی! بارالها! آن را برای ما خالی از هر شک و شبهه و ریا قرار ده، تا فقط به خاطر تو این کار را انجام دهیم! تا آن که ما را همراه او گردانی و در بهشت نزد او فرمان دهی و از خستگی و سستی، دورمان دار! ما را از کسانی قرار ده که بایشان دینت را یاری می‌کنی و پیروزی ولایت را محکم می‌گردانی و دیگری را جایگزین ما مگردان؛ چرا که برای تو آسان است؛ و لکن بر ما سخت و گران است.»

دو. شناخت و شناساندن حجت خدا و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف

بدیهی است که ضعف در ایمان و باور و عدم معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف زمینه سست شدن عقیده افراد و جامعه را فراهم می‌کند و در پی آن، یأس و ناامیدی از ظهور خواهد آمد. پس می‌توان گفت که اولین وظیفه منتظران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف، برای پیشگیری و درمان ناامیدی از ظهور، «معرفت افزایی» نسبت به وجود مقدس امام و حجت زمان خویش است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«هرکس بمیرد و امام زمان خود را شناخته باشد، به مرگ جاهلی مرده است.»

شخصی از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشريف پرسید: منظور از این جاهلیت چیست؟ آن حضرت فرمودند: «منظور، جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی است.»

سه. تبیین عواقب و پیامدهای ناامیدی

همان طور که در حوزه سلامت جسمی افراد و جامعه، به منظور عدم ابتلا به انواع بیماری‌ها، به رعایت اصل پیشگیری توصیه شده است، این مهم را در حوزه سلامت عقیدتی، فرهنگ و دینی نیز می‌بایست به کار ببریم.

اصل این است که در جامعه، آسیب و انحرافی پدید نیاید و در صورت پدید آمدن، مزمن نشود تا نیاز به درمان و اصلاح و احیاناً سختگیری و زندان باشد. یکی از راهکارهای زیبای قرآن، پیشگیری از بستر سازی انحطاط است. قرآن برای کسانی که خواستار شیوع زشتی‌ها و گناهان قبیح، میان افراد با ایمان هستند، در دنیا و آخرت، عذابی دردناک تعیین می‌کند:

«إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ همانا کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است؛ و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.»

بنابراین، با تبیین دقیق هر یک از پیامدها که هر کدام هشدار بزرگی برای منتظران ظهور است؛ می‌توان به منظور پیشگیری یأس از ظهور اقدام کرد.

چهار. تبیین صحیح مقوله انتظار و شرایط قیام امام

با توجه به این که یکی از علل یأس و ناامیدی از ظهور، «عدم آگاهی کامل از آموزه‌های مهدوی»، مانند انتظار یا تلقی نادرست از آن هاست؛ «تبیین صحیحی از مقوله انتظار فرج» می‌تواند در پیشگیری و درمان چالش ناامیدی از ظهور، تأثیر بسزایی داشته باشد. در ادامه به چند نکته راهبردی مهم در باب مقوله انتظار و شرایط حرکت و قیام حضرت اشاره می‌کنیم:

الف) حرکت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف مانند امور دیگر روال طبیعی دارد، و قرار نیست همه امور، معجزه‌آسا صورت گیرد؛

ب) تحقق قیام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف زمینه سازی و آمادگی می‌طلبد؛

ج) اگر اصلاح به صورت کامل مقدور نیست، وظیفه اصلاح در حد توان، ساقط نشده است.

د) احکام و قوانین اسلام برای اجرا وضع شده‌اند. مثلاً قرآن کریم کارهایی را از مسلمانان خواسته‌اند که این کارها فاقد قید و محدودیت زمانی هستند و همیشه باید اجرا شوند؛ مانند انجام دادن واجبات دینی و ترک محرمات. این اطلاق، مخالف حرف کسانی است که معتقدند: جامعه باید به حال خود رها شود و به فساد آن نباید کاری داشت تا زمینه ظهور فراهم شود. منطق این افراد مخالف روح اسلام است؛ زیرا حرف آن‌ها با ترک واجبات و اجرای محرمات ملازم است.

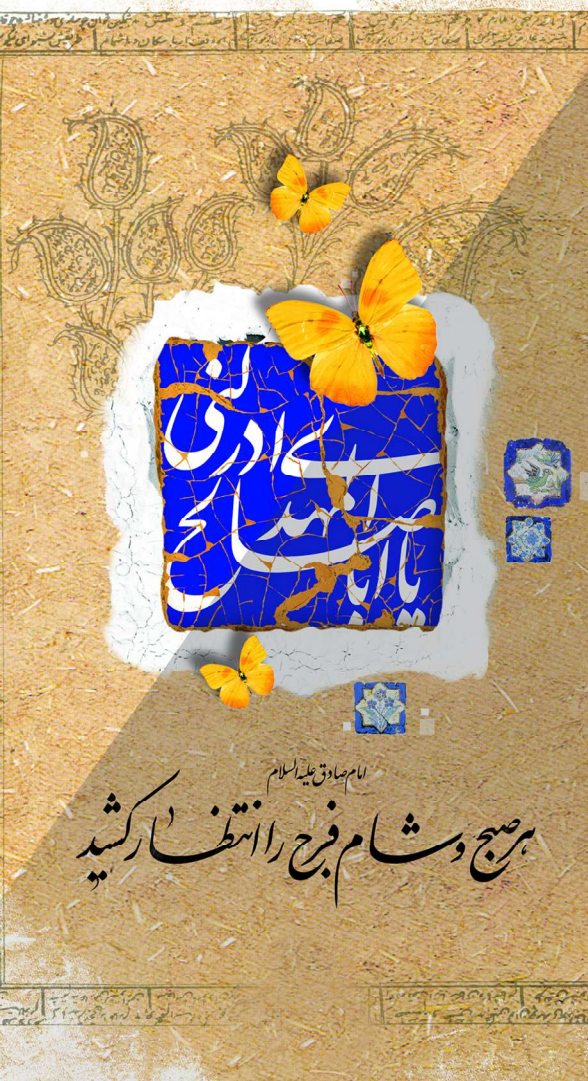
پنج. تبیین آثار صبر و تسلیم و

رضا، برای تحقق امر ظهور

راهکار دیگر، تبیین آثار صبر و تسلیم در امر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف است. افراد و جامعه‌ای که از این نکته مهم بی‌اطلاع باشند، طبیعی است که پس از اندک زمانی دچار یأس گردند.

و البته گاهی اوقات این بی‌بصیرتی زمینه و بستر تعجیل خواهد شد؛ اما اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الشريف عجله کردن در برخی امور را مذمت کرده‌اند؛ از جمله عجله در ظهور. توجه به این نکته راهبردی [لازم است] که ائمه عجل الله تعالی فرجه الشريف، ما را به صبر و تسلیم در برابر حکم الهی برای تحقق امر ظهور دعوت کرده‌اند و اجر و پاداش کسی را که بر این امر شکیبایی ورزد؛ به مثابه جهاد در رکاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دانسته‌اند. از جمله فرمودند: «آگاه باشید که صبرکنندگان در غیبت او بر آزار و تکذیب، مانند جهادکنندگان با شمشیر در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستند.»

همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «خوشا بر سعادت صبرکنندگان در زمان غیبت او [امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف]»



شش. توجه به بداء پذیری ظهور

توجه دادن افراد و جامعه به «بداء» پذیر بودن وقت ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و علائم آن، راهکار بسیار قوی و مؤثر دیگری بر پیشگیری و درمان ناامیدی از ظهور امام است.

اصل ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف امری است قطعی و وعده‌ای است الهی که قطعاً و یقیناً انجام می‌پذیرد و هیچ‌گونه تغییری در آن واقع نخواهد شد؛ اما وقت آن، بنابر روایاتی که از ائمه اطهار علیهم السلام رسیده، ممکن است جلو بیفتد یا به تأخیر بیانجامد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نامه خود به شیخ مفید می‌نویسند: «... فرمان ما به طور ناگهانی فرامی‌رسد، هنگامی که توبه فایده‌ای ندارد».

مقصود از اصلاح امر حضرت در یک شب آن است که خداوند عزوجل مقدمات یاری و پیروزی او را در اسرع وقت و در یک شب فراهم کرده و او را به ظهور مأمور خواهد کرد. بنابراین، همه امید مؤمن موحد به فرج الهی است و آن‌گاه که خداوند بخواهد رحمت خود را شامل حال بندگان کند به فراهم شدن زمینه‌های عادی بشری احتیاج نیست. پس شیعیان منتظر باید در هر زمانی وقوع فرج را ممکن و عملی بدانند و در هیچ شرایطی از تحقق آن ناامید نشوند.

هفت. توجه به مذمت و نهی روایات از تعیین وقت برای ظهور

باید دانست که روایات ما از پنهان بودن زمان ظهور خبر داده و تعیین کنندگان زمان آن را دروغ گو خطاب کرده و به تکذیب آن‌ها امر می‌کنند. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «ای محمد! هرکس از جانب ما زمانی [برای ظهور] نقل کرد، بدون هیچ واهمه‌ای او را تکذیب کن؛ چرا که ما برای هیچ کس [حتی خواص] زمان تعیین نمی‌کنیم» همچنین صقر بن دلف می‌گوید: از امام جواد علیه السلام چنین شنیدم: «... او را غیبتی است که ایامش زیاد شود و مدتش طولانی گردد. پس مخلصان در انتظار قیامش هستند و شکاکان او را انکار و منکران، یادش را استهزا و مسخره کنند و تعیین کنندگان وقت ظهورش دروغ می‌گویند، و شتاب کنندگان در آن هلاک می‌شوند و تسلیم شوندگان در آن نجات می‌یابند».

بر این اساس، هر کس با هر مقام و جایگاهی که دارد، اگر برای ظهور، وقتی معین کرده است، باید تکذیب گردد و همین تکذیب، از پدید آمدن یأس و ناامیدی در افراد و جامعه پیشگیری می‌کند.

هشت. تقویت ارتباط معنوی با امام

از آن جایی که فرد یا جامعه منتظر به ارتباط معنوی با امام خویش نیاز مبرم دارد؛ می‌توان این امر را راهکار بسیار مهمی برای پیشگیری از یأس و ناامیدی از ظهور و درمان آن تلقی کرد. کسی که با امام خویش ارتباط معنوی ندارد، طبیعی است که پس از مدتی از ظهور ناامید گردد.

راه‌های تقویت ارتباط معنوی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

برای تقویت ارتباط معنوی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف راهکارهایی است از جمله: الف) خواندن ادعیه و زیارت‌هایی، مانند دعای عهد، آل یاسین، ندبه و ادعیه روزانه و هفتگی و مناسبت‌های مختلف؛

ب) توجه به مسئله عرضه اعمال مردم بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که لازمه آن، احساس نظارت همیشگی امام بر اعمال ماست؛

ج) ارتباط مالی و عاطفی با امام، توجه به وجوب خمس و ادای آن که از آن امام می‌باشد و استحباب پرداخت صدقه یا نذر برای سلامتی امام؛

د) توسل به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و توجه ویژه به او برای رفع مشکلات فردی و اجتماعی و درخواست شفاعت از او؛

ه) تبلیغ و ترویج نام و یاد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان افراد خانواده و محله و جامعه؛

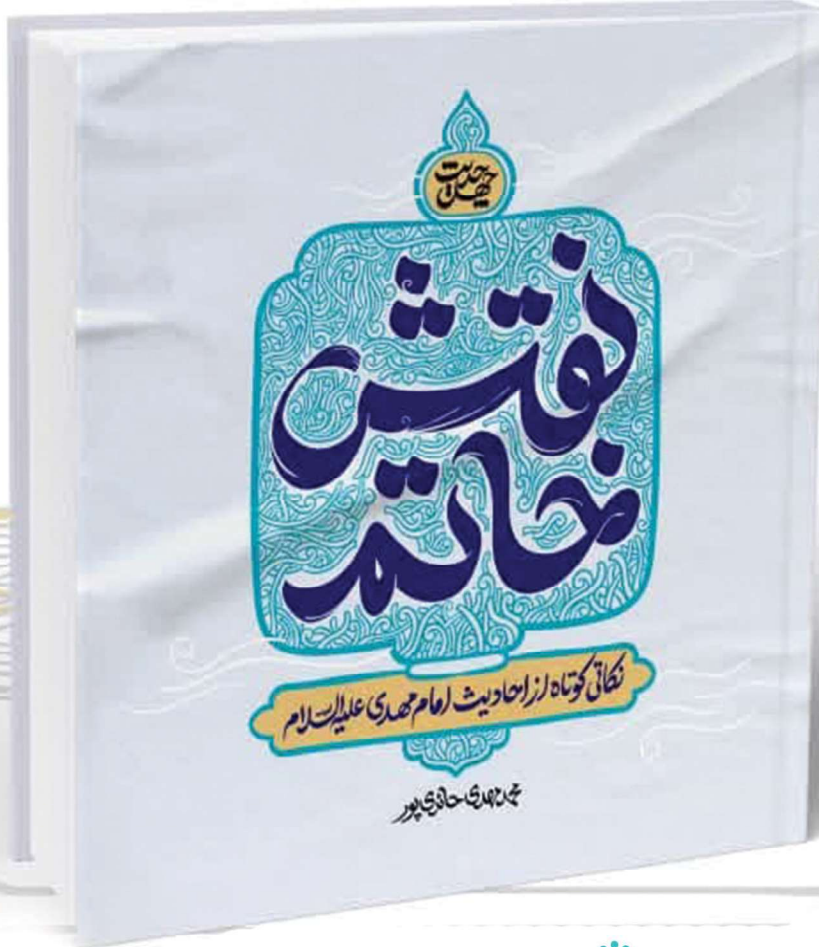
ی) ارتباط پیوسته اعتقادی و تشکیلاتی و عاطفی با نابیان عام امام؛ همان عالمان عادل و با تقوا که شایسته منصب رهبری مردم از طرف آن حضرت در عصر غیبت هستند.

تمدید شد

(زمان آزمون: ۵ تیرماه ۱۴۰۳)

مسابقه نقش خانم

حفظ و مفاهیم چهل حدیث از امام زمان (عج)



حاج میرزا حسینی حاتمی